



Designing a Model for Promoting Public Welfare Based on Good Governance

Ahmad Yavarian

PhD. Candidate, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: ahmad.yavarian@srbiau.ac.ir

Sedighe Tootian Esfahani *

*Corresponding Author, Associate Prof., Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: tootian_ir@yahoo.com

Naser Mirsepasi

Prof., Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: n.mirsepasi@srbiau.ac.ir

Gholamreza Memarzadeh Tehran

Associate Prof., Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: gmemar@gmail.com

Abstract

Objective

The purpose of the present study is to design a model for the promotion of general welfare based on good governance. The current research is developmental and applied in terms of its purpose.

Methods

In the qualitative stage of the present study, the issue analysis method was used. The descriptive method was used in the validation phase. In the qualitative phase, in order to design the research model, Interviews were conducted with 20 academic and executive experts who were selected by purposive sampling. In the quantitative stage, to validate the research model, the employees of the Iranian Ministry of Cooperatives, Labor, and Social Welfare were asked for their opinions by answering a questionnaire. The gathered data were analyzed by structural equation modeling

and Smart PLS software. The sample size included 216 people and was calculated using the Cochran formula. A subset of participants from the population was selected by the simple random method.

Results

According to the findings, three variable categories of propellants, strategies and consequences were identified for public welfare governance.

Conclusion

The results showed that the use of good governance principles can play a great role in promoting public welfare. Also, the strategies and characteristics of the Iranian Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare play a significant moderating role in improving the conditions of public welfare in society.

Keywords: General welfare, Good governance, Ministry of cooperatives, Labor and social welfare.

Citation: Yavarian, Ahmad; Tootian Esfahani, Sedighe; Mirsepasi, Naser & Memarzadeh Tehran, Gholamreza (2022). Designing a model for promoting public welfare based on good governance. *Journal of Public Administration*, 14(2), 283-312. (in Persian)

Journal of Public Administration, 2022, Vol. 14, No.2, pp. 283-312
Published by University of Tehran, Faculty of Management
<https://doi.org/10.22059/JIPA.2022.340415.3126>
Article Type: Research Paper
© Authors

Received: March 12, 2022
Received in revised form: May 12, 2022
Accepted: May 17, 2022
Published online: July 25, 2022





طراحی الگوی ارتقای رفاه عمومی با رویکرد حکمرانی خوب

احمد یاوریان

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: ahmad.yavarian@srbiau.ac.ir

صدیقه طوطیان اصفهانی

* نویسنده مسئول، دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: tootian_ir@yahoo.com

ناصر میرسپاسی

استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: n.mirsepasi@srbiau.ac.ir

غلامرضا معمارزاده طهران

دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: gmemar@gmail.com

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، طراحی الگوی ارتقای رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب است. پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای - کاربردی است.

روش: در مرحله کیفی پژوهش حاضر، از روش تحلیل تم و در مرحله اعتبارسنجی از روش توصیفی استفاده شد. در مرحله کیفی، به‌منظور طراحی الگوی پژوهش، با ۲۰ نفر از خبرگان دانشگاهی و اجرایی که به‌صورت هدفمند انتخاب شده بودند مصاحبه به‌عمل آمد. در مرحله کمی، برای اعتبارسنجی الگوی پژوهش، به کمک پرسش‌نامه، از کارکنان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نظرخواهی شد و داده‌ها با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس تحلیل شدند. حجم نمونه، تعداد ۲۱۶ نفر با فرمول کوکران محاسبه شد. انتخاب اعضای نمونه در مرحله کمی، به‌روش تصادفی ساده بود.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش، به شناسایی سه دسته متغیر پیش‌ران‌ها، راهبردها و پیامدها برای حکمرانی رفاه عمومی منجر شد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد که استفاده از اصول حکمرانی خوب، در ارتقای رفاه عمومی نقش چشمگیری دارد. همچنین، راهبردها و ویژگی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در بهبود وضعیت رفاه عمومی در جامعه، نقش تعدیل‌کننده و مهمی را ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: رفاه عمومی، حکمرانی خوب، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

استناد: یاوریان، احمد؛ طوطیان اصفهانی، صدیقه؛ میرسپاسی، ناصر و معمارزاده طهران، غلامرضا (۱۴۰۱). طراحی الگوی ارتقای رفاه عمومی با رویکرد حکمرانی خوب. *مدیریت دولتی*، ۱۴(۲)، ۲۸۳-۳۱۲.

مقدمه^۱

رفاه عمومی مقوله‌ای یکپارچه و منسجم است که از تلاقی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در زندگی عینیت پیدا می‌کند (آتالا، قاسم و هانت^۲، ۲۰۱۸). یکی از عوامل ایجادکننده تمایز در بین کشورها، وضعیت رفاه عمومی است. از دیرباز، تأمین رفاه عمومی یکی از ارکان امنیت ملی کشورها بوده و میزان توفیق دولت‌ها برای حصول به این هدف، یکی از مؤلفه‌های قدرت آنها تلقی شده است؛ به نحوی که تحقق زندگی خوب جزء وظایف اصلی دولت‌ها محسوب می‌شود (دونکن^۳، ۲۰۱۰). با ظهور همه‌گیری کووید ۱۹، وضعیت سطح رفاه عمومی شروع به تغییر کرد. شاخص‌های سطح پزشکی، فناوری دیجیتال و عوامل پیش‌بینی‌نشده و حوادث اجتناب‌ناپذیر، یکی یکی ظاهر شدند. بدیهی است که رویکرد جدیدی برای درک پیشرفت اجتماعی در وضعیت جدید اقتصادی و اجتماعی لازم است (کوزلووسکی و همکاران^۴، ۲۰۲۱).

در هر جامعه، توجه دولت‌مردان و سیاست‌گذاران به رفاه امری مهم و ضروری تلقی می‌شود؛ زیرا رفاه از شاخص‌های اصلی توسعه است و جزء عناصر کلیدی در رشد و پیشرفت جامعه محسوب می‌شود. رفاه مفهومی چندوجهی است و وجوه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد که به تناسب رکود یا رونق تولید ملی، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و اهداف اساسی آن حفظ شأن انسان‌ها، مسئولیت‌پذیری جامعه در قبال آن و ارتقای توانمندی کلیت جامعه در زمینه‌های فردی و جمعی است (حری، جلالی و لشکری، ۱۳۹۹). رفاه عمومی باعث ایجاد آرامش خاطر و عزت نفس فرد و جامعه، افزایش ضریب بهره‌وری، فراهم کردن زمینه مناسب برای تحقق رشد و توسعه پایدار، تحقق عدالت اجتماعی و کسب جایگاه بهتر در جامعه جهانی برای کشورها می‌شود. تأمین رفاه عمومی از گذشته یکی از ارکان امنیت ملی کشورها محسوب می‌شده و میزان موفقیت دولت‌ها برای دستیابی به آن، یکی از مؤلفه‌های قدرت آنها تلقی می‌شود (وانگ و وانگ^۵، ۲۰۲۱).

دولت‌ها، تأمین‌کنندگان جامع رفاه عمومی هستند و برنامه رفاه اجتماعی، از تکالیف دولت محسوب می‌شود تا به‌وسیله آن زمینه تحقق عدالت اجتماعی در جامعه فراهم شود (سلیمی‌فر، داوودی و عربی، ۱۳۹۴). تفاوت در مدیریت دولتی کشورها و کیفیت متفاوت خدمات عمومی، تفاوت در سطح رفاه را نشان می‌دهد. دولت‌ها از طریق انتخاب‌های متنوع سیاست‌گذاری مانند تخصیص بودجه، قانون‌گذاری، سیاست رفاهی، آموزش، سیاست مالیاتی، مسکن، حمل‌ونقل و غیره، در سیاست‌گذاری و وضعیت اقتصادی قدرتی قوی اعمال می‌کنند. دولت‌ها نقش مهمی در ارتقا و حفاظت از سلامت و رفاه جامعه خود دارند (هانت^۶، ۲۰۱۲). ارتقای استانداردهای موجود از طریق قابلیت‌های مختلف که در مفهوم رفاه منعکس شده است، یکی از راهبردهای ریشه‌کن کردن این تفاوت‌هاست (فوسو^۷، ۲۰۱۷).

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای احمد یاوریان دانشجوی دکتری گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات است.

2. Atalla, Gasim & Hunt
3. Duncan
4. Kozlovskyi et al.
5. Wang & Wang
6. Hunt
7. Fosu

یکی از عوامل ایجادکننده تمایز بین کشورها، شاخص رفاه است. ارتقای رفاه عمومی یا ملی تحت تأثیر عوامل مختلفی است. در رویکردهای جدید توسعه، برای بهبود رفاه ملی، الگوی حکمرانی خوب مطرح شده است (کریم‌پور، عابدینی و عزیزخانی، ۱۳۹۹). نتایج یافته‌های کریم‌پور و همکارانش (۱۳۹۹) نشان داد که حکمرانی خوب در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و هم در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، تأثیر مستقیمی بر رفاه ملی دارد. تأمین رفاه اجتماعی یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران در جوامع مختلف است که همواره در اسناد بالادستی نظام و جهت‌گیری‌های کلان و راهبردی ایران، بر آن تأکید شده است. بی‌شک، اغلب سیاست‌های اتخاذ شده در اقتصاد، در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و در نهایت رفاه اجتماعی است (مهدوی، ۱۳۹۵).

یکی از اهداف دولت‌ها از جمله دولت ایران در دنیای امروز، افزایش رفاه مردم است؛ در نتیجه دولت‌ها از طریق مداخلات در اقتصاد به دنبال دستیابی به چنین هدفی هستند؛ اما ممکن است نتوانند در دستیابی به چنین هدفی موفق باشند (نادمی و مفتخری، ۱۳۹۶). در بررسی مؤسسه لگاتوم با توجه به شاخص‌های حکمرانی و رفاه عمومی در سال ۲۰۲۰، ایران در بین ۱۶۷ کشور، رتبه ۱۲۰ را کسب کرده است و این از وضعیت بد رفاهی در کشور نسبت به سایر کشورها حکایت می‌کند (مؤسسه پژوهشی لگاتوم^۱، ۲۰۲۰). همچنین، مطالعات نشان می‌دهد که فقدان اعتماد عمومی، مسئله فراروی بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و دیگر کشورهاست. دلایل متعددی بر این روند کاهش اعتماد عمومی مترتب است و علت این افول تا به امروز مورد مباحثه است. بعضی اعتقاد دارند که اعتماد به دولت، به عملکرد مقامات دولتی یا نهادهای اداری بستگی دارد (رشیدی، جزنی و مبینی، ۱۴۰۰). ناکارآمدی سیاست‌های دولتی در زمینه‌های مختلف از جمله رفاه عمومی تا حدی بوده است که مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان دولت سیزدهم در تاریخ ۶ شهریور ۱۴۰۰ ضمن تأکید بر آسیب‌دیدن اعتماد مردم، فرمودند که: «مسئله احیای اعتماد مردم و امید مردم هم بسیار چیز مهمی است؛ چون اعتماد مردم بزرگ‌ترین سرمایه دولت است». همچنین، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول متعددی بر سیاست رفاه و تأمین اجتماعی اشاره دارند: از جمله بند یک اصل ۴۳ قانون اساسی، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را بر اساس ضوابطی استوار می‌سازد که یکی از آنها تأمین نیازهای اساسی مردم مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه است. همچنین، از اصول اولیه و مبانی دولت رفاه این است که حداقل امکانات رفاهی برای شهروندان فراهم گردد و نیازهای اساسی آنها تأمین شود تا بتوانند با همین حداقل‌ها گذران زندگی کنند. بند یک اصل ۴۳ قانون اساسی نیز، به‌خوبی به این موضوع اشاره داشته و اصل ۳۱ نیز بر همین نکته تکیه دارد. همچنین، اصل ۲۹ قانون اساسی مقرر می‌دارد که: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی، دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند (امجدی، مطلبی و گنجی، ۱۳۹۹).

با توجه به کاهش سطح رفاه جامعه، از جمله رفاه اقتصادی به آگاهی از دلایل مشکلات تحریم و نوسان‌های ارزی، نیاز است. دولت باید برای سیاست‌گذاری خود در زمینه رفاه حساسیت بیشتری داشته باشد و در این خصوص، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نقش ویژه‌ای دارد. از این رو، نیاز است که با توجه به وضعیت موجود و همچنین ویژگی‌های بومی کشور، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی راهبردهایی را فراهم کند تا بتواند در ارتقای رفاه عمومی نقش خود را ایفا کند. بدین منظور در این پژوهش، برای تعریف راهبردها از اصول و مفاهیم حکمرانی خوب بهره گرفته شده است. همچنین، با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران، نظامی مردم‌سالار و دین‌محور است، هم بر اساس اسناد بالادستی کشور، از جمله قانون اساسی و هم از نظر شرع و دین، باید زمینه رفاه عامه مردم از جوانب مختلف فراهم شود. از این رو، انجام پژوهش از نظر تأکید اسناد بالادستی و اصول دینی کاملاً ضروری است و نتایج پژوهش می‌تواند در زمینه ارتقای رفاه عمومی راه‌گشا باشد. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر اساس الزام ماده (۵۳) قانون برنامه پنجم توسعه، مبنی بر کاهش تعداد وزارتخانه‌ها، در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۸ از ادغام سه وزارتخانه، تشکیل شد. این وزارتخانه دستگاه اصلی متولی در زمینه رفاه عمومی است که در وظایف اصلی، مأموریت و اهداف بایستی به رفاه عمومی بپردازد. انقلاب اسلامی با گذشت چهاردهه از تولد خود، در فعالیتهای مدیریتی (دکترین، هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هدایت، سازمان‌دهی، هماهنگی، پیاده‌سازی و اجرا، نظارت و ارزیابی) در حوزه رفاه عمومی، تجارب فراوانی به‌دست آورده است؛ اما بر اساس این تجارب الگویی جامع و کامل تدوین و اجرا نکرده و بر اساس شرایط جامعه، فقر در حال گسترش است. نهایتاً، بررسی‌های محقق نشان داد که در تعدادی از پژوهش‌های داخلی و خارجی، مسئله ارتقای رفاه عمومی مدنظر قرار گرفته است؛ اما به نظر می‌رسد که نتایج این پژوهش‌ها فاقد یک الگوی جامع و نظام‌مند است و از این رو، در این زمینه خلأ پژوهشی وجود دارد. از طرفی، تاکنون پژوهشی مستقل به بررسی نقش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به‌عنوان متولی ارتقای رفاه عمومی نپرداخته است و در این زمینه نیز خلأ پژوهشی وجود دارد. با توجه به موارد مطرح شده، سؤال اصلی پژوهش به این گونه مطرح می‌شود: الگوی ارتقای رفاه عمومی با رویکرد حکمرانی خوب در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی چگونه است؟

پیشینه نظری پژوهش

بحث رفاه عمومی، به‌عنوان کانون محوری سیاست‌گذاری اجتماعی، مورد توجه بسیاری از کشورها با نیت‌های مختلف بوده است که متناسب با مکاتب و ایدئولوژی خود، نظام‌ها و الگوهای رفاهی، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و گام‌های پیاده‌سازی و اجرای آن را فراهم می‌آورند (موسوی و زاهدی وفا، ۱۳۹۶). رفاه یک مفهوم عمومی و مدرن است. رفاه در چارچوب تمایزاتی که در دوره مدرن به رسمیت شناخته شد، امکان ظهور پیدا کرد. این مفهوم با رویکردها و در مکاتب مختلف مورد بحث قرار گرفته و هر یک مسیر خاصی را پیموده است. به‌علاوه، رفاه در رشته‌های علوم اجتماعی از جمله اقتصاد و جامعه‌شناسی با تعاریف و مفاهیم مختلف به بحث گذاشته شده است (طاهری و حسین زاده، ۱۳۹۸).

به‌طور کلی نظریه‌های مختلف اقتصادی در راستای اولویت‌بندی بازیگران تأمین‌کننده رفاه عمومی، سه دیدگاه را مطرح می‌کنند:

نخست، تئوری‌های اقتصادی دولت‌محور است که در مکتب سوسیالیستی و اصول جمع‌گرایانه ریشه دارد. در این تئوری‌ها، نقش رفاهی دولت تأمین‌کننده حداقل رفاه، در عین تحقق عدالت اجتماعی است.

دوم، تئوری‌های اقتصادی بازارمحور است که در مکتب کاپیتالیستی و اصول فردگرایانه ریشه دارد. نقش رفاهی دولت تأمین‌کننده جامع رفاه عمومی، ضمن افزایش کارایی و ثروت فردی و اجتماعی است.

با توجه به دستاوردهای متعدد و شکست‌های بسیار این دو جریان، سومین جریان نیز پدید آمد که بر تحقق عدالت اجتماعی، ضمن افزایش ثروت اجتماعی و رفاه فردی تأکید دارد و با عنوان رویکرد ترکیبی شناخته می‌شود (بیورچ، ۱۹۹۳). در رویکرد ترکیبی، به نقش هم‌زمان دولت و بازار تأکید می‌شود. براینده تحولات نظری جدید با عنوان «تئوری ترکیبی دولت موافق بازار» شناخته می‌شود که این رویکرد با توجه به جامعیت آن برای پژوهش حاضر انتخاب شد.

حکمرانی خوب، مفهومی است که نشان از تغییر پارادایم نقش دولت‌ها و حکومت‌ها دارد. این مفهوم با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شده است که در آن، بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌شود (شریف‌زاده، ۱۳۸۲).

اصطلاح «حکمرانی خوب» و «حکمرانی خوب» به نحو گسترده‌ای در ادبیات توسعه رواج پیدا کرده و حکمرانی بد، یکی از علل اساسی ناکامی جوامع امروزی در دستیابی به توسعه معرفی شده است. این در حالی است که نهادهای مالی بین‌المللی و کمک‌کنندگان جهانی نیز، وام‌ها و کمک‌های مالی خود را به شرایطی معطوف کرده‌اند که متضمن اجرای مؤلفه‌های حکمرانی خوب است. از لحاظ تاریخی، مفهوم حکمرانی به اندازه تمدن بشری قدمت دارد و بسته به سطح آن (ملی، منطقه‌ای و محلی) مجموعه‌ای از بازیگران رسمی و غیررسمی را که بر جریان تصمیم‌گیری تأثیرگذارند، دربرمی‌گیرد. آن دسته از ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی که دولت به‌واسطه برخورداری از آنها به عملکردهای اقتصادی مطلوبی دست یافته است، برحسب مطالعات مختلف با تغییراتی همراه بوده است؛ اما این تغییرات به هیچ وجه منافی یکدیگر نیستند؛ بلکه بعضی از مطالعات نسبت به بعضی دیگر کامل‌ترند. مبنای اساسی برای ویژگی‌های حکمرانی خوب، شاخص‌های هشت‌گانه‌ای است که در برنامه توسعه سازمان ملل^۱ و بانک جهانی مطرح شده است. این شاخص‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از:

- حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی^۲: به این مفهوم که مردم بتوانند دولت را در برابر اقدام‌هایی که بر مردم تأثیر می‌گذارد، بازخواست کنند.
- ثبات سیاسی و عدم خشونت^۳: این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ‌ومیر یا تغییر رهبران و دولت مردان فعلی می‌پردازد.

1. UNDP

2. Voice and Accountability

3. Political Stability and Violence

- کارایی و اثربخشی دولت^۱: کارآمدی دولت در انجام وظایف محول شده را می‌سنجد که شامل مقوله‌هایی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی است.
- کیفیت مقررات^۲: ناظر بر مناسب بودن، تأثیرگذاری مثبت و تسهیلگری قوانین و مقررات در عرصه خدمات دولتی و عملکرد اقتصادی است.
- حاکمیت قانون^۳: میزان احترام عملی دولت‌مردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده‌اند.
- کنترل فساد^۴: جلوگیری برای استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی است. در مفهوم‌پردازی بانک جهانی از حکمرانی خوب، هر اندازه ویژگی‌های مثبتی نظیر حاکمیت قانون، پاسخ‌گویی و اثربخشی دولت در اجرای یک جامعه بیشتر و فساد، مقررات اضافی و بی‌ثباتی سیاسی کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه مناسب‌تر است (کمیجانی و سلاطین، ۱۳۸۹).

پیشینه تجربی پژوهش

در تعدادی از پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی، به بحث رفاه پرداخته شده است که در ادامه بررسی می‌گردد. دانایی فرد و باباشاهی (۱۴۰۰)، به بررسی نقش سرمایه‌های انسانی در بخش دولتی بر ارتقای رفاه ملی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بخش دولتی با بهره‌مندی از سرمایه‌های انسانی توانمند و متمایز، می‌تواند ظرفیت رقابت‌پذیری ملی را ارتقا دهد که این امر به تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب منجر می‌شود و در نهایت، زمینه ارتقای رفاه ملی را فراهم می‌کند. اسکندری، داداش کریمی و حجتی (۱۴۰۰) نیز، در پژوهش خود به شناسایی عوامل مؤثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی پرداختند. بر اساس نتایج، ابعاد حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی، عواملی همچون مشارکت، پاسخ‌گویی، کارایی و اثربخشی، تصویب و حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری، شفافیت و عدالت را شامل می‌شود. کریم‌پور و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود، به مطالعه تأثیر حکمرانی خوب بر رفاه ملی پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که در کشورهای عضو همکاری اسلامی و عضو همکاری اقتصادی و توسعه، بین حکمرانی خوب و رفاه ملی هم‌بستگی معنادار مستقیمی وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش شاه‌آبادی و ارغند (۱۳۹۷) نشان داد که در کشورهای در حال توسعه با پیچیده‌تر شدن اقتصاد، علی‌رغم افزایش درآمد سرانه، توزیع درآمد نامتعادل‌تر شده است و اثر نامتعادل‌تر شدن توزیع درآمد بر افزایش درآمد سرانه غالب بوده و در مجموع، کاهش رفاه اجتماعی را به دنبال داشته است. زاهدی و نوایی لواسانی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به ارزیابی برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران از منظر بازنمایی و کاربست نظریه‌های رفاه و عدالت اجتماعی (با تأکید بر برنامه پنجم توسعه) پرداختند.

1. Government Effectiveness
2. Regulatory Burden
3. Rule of Law
4. Control of Corruption

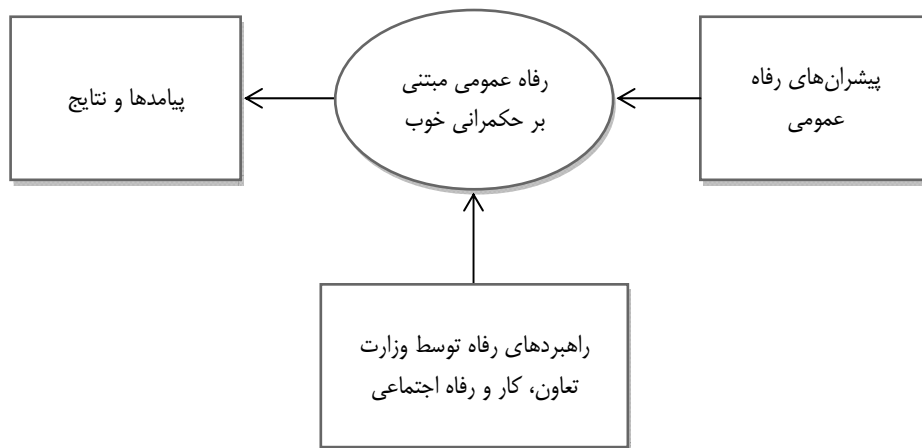
نتایج نشان داد که با اینکه بخش‌هایی از برنامه‌های توسعه، هماهنگی‌هایی با برخی نظریه‌ها یا برخی دلالت‌های نظری موجود در حوزه عدالت اجتماعی دارد، ارزیابی سیاست‌گذاری‌های رفاه در برنامه‌های توسعه و به‌طور مشخص برنامه پنجم، مبین نبود نگرش سنجیده و هدفمند در زمینه تأمین عدالت رفاهی در مقیاس عمومی کشور است. در نهایت، رفیعی، محقق، سجادی و عباسیان (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی نظر متخصصان ایرانی در مورد ابعاد و بیانگرهای رفاه اجتماعی ایران پرداختند. نتایج نشان داد که اشتغال، اقتصاد، تأمین اجتماعی، سلامت، آموزش و مسکن مهم‌ترین ابعاد و همچنین، میزان بیکاری، درصد پوشش بیمه تأمین اجتماعی، امید به زندگی در بدو تولد، میزان مالکیت مسکن، میزان باسوادی افراد بالاتر از ۶ سال، میزان ثبت نام در مدرسه، ضریب جینی، میزان تورم و درآمد ملی سرانه، مهم‌ترین بیانگرهای رفاه اجتماعی در ایران هستند.

نتایج پژوهش گومز و ویافارا^۱ (۲۰۲۲) در کشور کلمبیا نشان داد که رشد اقتصادی همیشه به رفاه اجتماعی مربوط نمی‌شود. وانگ و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهش خود نشان دادند که افزایش رفاه ذهنی مردم برای توسعه اقتصادی پایدار یک کشور بسیار مهم است. کوزلووسکی و همکاران (۲۰۲۱) نیز، در پژوهش خود به ارزیابی رفاه عمومی در اوکراین در دوران همه‌گیری کووید ۱۹ و دیجیتالی شدن اقتصاد پرداختند. نتایج نشان داد که سطح رفاه عمومی در اوکراین در دوران همه‌گیری کووید ۱۹ در سطح بسیار پایین و حتی پایین‌تر از استانداردهای جهانی است. ووکلاتو و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در مطالعه خود، دو چارچوب متفاوت برای ارزیابی رفاه عینی و ذهنی یا شادی و همچنین ابعاد مربوط به آنها ارائه دادند. «رفاه عینی»^۳ عمدتاً به دلیل چندبعدی بودن چالش اساسی است. بنابراین، محققان بر تعیین دقیق ابعاد اندازه‌گیری عینی آن متمرکز شدند. رفاه عینی شامل ابعاد سلامت، فرصت‌های شغلی، محیط زیست، امنیت، سیاست و توسعه اجتماعی - اقتصادی است. «رفاه ذهنی»^۴، اصطلاح علمی رفاه ذهنی، یک ارزش محوری در زندگی مردم است. در مورد رفاه ذهنی، نتایج نشان داد که ورزش، طبیعت و اوقات فراغت عوامل کوتاه‌مدت هستند؛ در حالی که روابط اجتماعی با عزیزان و موفقیت‌ها، عوامل تعیین‌کننده بلندمدت هستند. یافته‌های پژوهش گروندلر و کلنر^۵ (۲۰۲۰) بیان می‌کند که چگونه جامعه‌پذیری فرهنگی و تنوع بر سیستم‌های رفاهی تأثیر می‌گذارد. نتایج نشان داد که فرهنگ پیش‌بینی‌کننده مهمی برای دولت‌های رفاهی است. بنیشو و ماتی^۶ (۲۰۲۰)، در پژوهش خود به بررسی پاسخ‌گویی و دوراندیشی در مدیریت رفاه پرداختند. فلوربی^۷ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین پایداری و رفاه عمومی بین نسلی پرداخت. نتایج نشان داد که چگونه می‌توان شاخص‌های پایداری در رفاه عمومی، از جمله امید به زندگی، بیکاری کل و سرانه تولید ناخالص ملی از طریق بهبود شاخص‌های آموزشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

جمع‌بندی پژوهش‌های پیشین نشان داد که در پژوهش‌هایی مانند کریمپور و همکاران (۱۴۰۰)، دانایی فرد و باباشاهی

1. Gomez & Viafara
2. Voukelatou et al.
3. Objective well-being
4. Subjective well-being
5. Grundler & Köllner
6. Benish & Mattei
7. Fleurbaey

(۱۴۰۰) رابطه بین حکمرانی خوب و رفاه عمومی تأیید شده است؛ اما تاکنون پژوهشی به موضوع طراحی الگوی رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب نپرداخته و از این رو، در این زمینه خلأ پژوهش‌هایی وجود دارد. علاوه بر این، تاکنون پژوهشی به این موضوع نپرداخته که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان متولی رفاه عمومی در کشور، با بهره‌گیری از چه راهبردهای می‌تواند رفاه جامعه را ارتقا دهد. در ضمن، در این پژوهش، ابعاد رفاه عمومی بر اساس شرایط بومی ایران شناسایی شد که از این جهت نیز پژوهش کاری جدید است. با توجه به خلأهای پژوهش‌های ذکر شده، هدف اصلی پژوهش حاضر طراحی الگوی ارتقای رفاه عمومی با رویکرد حکمرانی خوب است که با محوریت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انجام می‌شود. همچنین، با توجه به خلأ پژوهشی موجود، از روش تحلیل تم بهره گرفته شد. الگوی پژوهش در شکل ۱ مشاهده می‌شود.



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

هدف این پژوهش، طراحی الگوی رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب است. پژوهش حاضر، از نظر هدف توسعه‌ای - کاربردی و در زمره پژوهش‌های آمیخته (ترکیبی) است. این پژوهش در دو مرحله کیفی و کمی انجام شده است. در مرحله اول از روش تحلیل تم برای طراحی مدل پژوهش و در مرحله دوم از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری برای اعتبارسنجی مدل طراحی شده بهره گرفته می‌شود. همچنین، آنجا که پژوهش حاضر به‌دنبال طراحی مدل ارتقای رفاه عمومی است و به‌دلیل جدید و نوآورانه بودن موضوع، پژوهش‌های اندکی به این موضوع پرداخته‌اند، از نوع اکتشافی به حساب می‌آید. همچنین، رویکرد این تحقیق استقرایی است؛ زیرا گذشته از فقدان الگوی ارتقای رفاه عمومی، امکان قضاوت و ارائه الگوی کلی بر اساس آن، به‌دلیل پیچیدگی زیاد موضوع مقدور نیست و نمی‌توان از کنار هم قرار دادن مقدمات کلی و بدیهی، به نتیجه یا الگویی جدید دست یافت. بنابراین، باید موضوع تحقیق در سطوح مختلفی بررسی شود تا بتوان به موضوع کلی حکمرانی رفاه دست یافت. از این رو، رویکرد استقرایی این امکان را میسر می‌سازد. این

پژوهش، در دو مرحله کیفی با روش تحلیل تم و کمی با روش مدل سازی معادلات ساختاری انجام شده است که در ادامه هر از این مراحل به طور مجزا بررسی شده است.

مرحله کیفی

در مرحله کیفی به منظور طراحی مدل پژوهش، از روش تحلیل تم استفاده شد. تحلیل تم روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (تمها) موجود درون داده‌هاست. این روش در خود، داده‌ها را سازمان دهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند، اما می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند (براون و کلارک^۱، ۲۰۰۶). در مرحله کیفی، به منظور طراحی مدل، با ۹ نفر از اساتید دانشگاهی و ۱۱ نفر از خبرگان اجرایی دستگاه‌های مختلف که در زمینه رفاه مأموریت و وظایفی برعهده دارند، مصاحبه به عمل آمد. خبرگان دانشگاهی مشارکت‌کننده، ضمن داشتن مدرک دکتری، در رشته‌های مدیریت تحصیل کرده بودند و در زمینه رفاه مقاله داشتند یا پژوهشی انجام داده بودند. خبرگان اجرایی نیز ضمن داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد، دارای حداقل ۱۰ سال سابقه مدیریت در وزارت تعاون، رفاه و تأمین اجتماعی بودند. روش نمونه‌گیری در مرحله کیفی، از نوع هدفمند بود و مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه یافت که داده‌ها به حد اشباع برسد. در زمان انجام مصاحبه‌ها، پژوهشگر در شیوه مطرح کردن سؤال‌ها دقت زیادی کرده است تا کیفیت و اعتبار موقعیت مصاحبه خدشه‌دار نشود. مشخصات خبرگان مشارکت‌کننده در مصاحبه در جدول ۱ درج شده است.

جدول ۱. مشخصات خبرگان مشارکت‌کننده در مصاحبه

تعداد	مدرک تحصیلی
۱۵	دکتری
۵	کارشناسی ارشد
تعداد	سابقه کاری
۵	بین ۱۰ تا ۲۰ سال
۱۲	بین ۲۰ تا ۳۰ سال
۳	بیش از ۳۰ سال
تعداد	نوع خبره
۱۱	اجرایی
۹	دانشگاهی

همچنین، به منظور تأیید روایی نتایج در مرحله کیفی پژوهش، از دو روش مثلثی و بررسی توسط اعضا استفاده شد. بر اساس دیدگاه مریام^۲ (۲۰۰۹)، برای روایی درونی بخش کیفی این پژوهش، از روش‌های مثلثی و بررسی‌های اعضا استفاده گردید. در روش مثلثی^۳، چند منبع داده یا چند روش برای تأیید داده‌های در حال ظهور به کار گرفته می‌شود. در

1. Braun & Clarke
2. Merriam
3. Triangulation

روش بررسی توسط اعضا^۱ نیز، از مشارکت کنندگان خواسته می‌شود تا به پرسش میزان قابل قبول بودن نتایج پاسخ دهند (مریام، ۲۰۰۹).

مرحله کمی

در مرحله کمی، به منظور اعتبارسنجی مدل طراحی شده در مرحله کیفی، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس استفاده شد. قبل از انجام مدل‌سازی معادلات ساختاری، کفایت حجم نمونه با بهره‌گیری از شاخص KMO و آزمون بارتلت و همچنین، نرمال بودن داده‌ها با آزمون کولموگروف - اسمیرنوف آزمون شد که نتایج نشان داد حجم نمونه کافی است و داده‌ها برای انجام محاسبات مدل‌سازی معادلات ساختاری مناسب است. نمونه آماری در این مرحله، ۲۱۶ نفر از مدیران و متخصصان در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بودند. در مرحله کمی، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه گردید و روش نمونه‌گیری نیز از نوع تصادفی بود. به منظور گردآوری داده‌ها، از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد که روایی آن توسط ۴ نفر از خبرگان به تأیید رسید. همچنین، پایایی پرسش‌نامه نیز با روش آلفای کرونباخ مقدار ۰/۷۸۵ محاسبه و تأیید شد. مشخصات نمونه آماری در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. مشخصات نمونه آماری

جنسیت	تعداد
مرد	۱۷۱
زن	۴۵
سابقه کاری	تعداد
بین ۱۰ تا ۲۰ سال	۴۲
بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۱۵۵
بیش از ۳۰ سال	۱۹
مدرک تحصیلی	تعداد
کارشناسی	۸۳
کارشناسی ارشد	۱۱۳
دکتری	۲۰
سن	تعداد
۳۰ تا ۴۰ سال	۳۸
۴۰ تا ۵۰ سال	۱۱۰
بالای ۵۰ سال	۶۸

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی که از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته حاصل شد و همچنین، به منظور طراحی الگوی پژوهش، از روش تحلیل تم استفاده گردید. گام‌های طی شده به منظور طراحی مدل بر اساس دیدگاه براون و کلارک (۲۰۰۶) با روش تحلیل تم به صورت زیر است.

گام اول - آشنایی با داده‌ها: در این مرحله محقق به بررسی مصاحبه‌های انجام گرفته پرداخت. محقق محتوای مصاحبه‌ها را دوبار شنید تا نکته‌ای از قلم نیفتد. پس از یادداشت‌برداری از محتوای مصاحبه‌ها، محقق به بررسی و بازخوانی چندباره یادداشت‌ها پرداخت و محتوای آنها را به‌طور دقیق بررسی کرد.

گام دوم - ایجاد کدهای اولیه: در این مرحله، پس از بررسی دقیق محتوای مصاحبه‌ها، محقق به شناسایی کدهای اولیه پرداخت. کدها یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌نمایند که به نظر تحلیلگر جالب می‌رسد. داده‌های کدگذاری شده از واحدهای تحلیل (تم‌ها) متفاوت هستند (براون و کلارک، ۲۰۰۶). روش کار به این شکل بود که محقق برای محتوای بیان‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان که به موضوع خاصی اشاره داشت، یک کد استخراج کرد. متن مصاحبه و کدهای استخراج‌شده برای اجزای تشکیل شده متغیر رفاه و همچنین، راهبردهای ارتقای توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جدول‌های ۳ و ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۳. چند نمونه متن مصاحبه و کدهای استخراج شده برای بعد رفاه در جامعه

ردیف	متن مصاحبه	کد (شاخص)
۱	تورم و مشکلات اقتصادی، فاصله بین فقیر و غنی را در جامعه زیاد کرده و طبقه متوسط در حال از بین رفتن است.	ضریب جینی
۲	رشد تولید ناخالص داخلی با وجود تمام فشارها و تحریم‌ها خیلی نامطلوب نیست.	تولید ناخالص داخلی
۳	متأسفانه، با رشد آموزش پولی، فاصله سطح آموزش دریافت شده بین افراد مختلف بنا به سطح درآمد آنها می‌تواند تغییر کند.	دسترسی به آموزش
۴	در زمینه پژوهش‌های علمی، رشد تولید علم قابل توجه بوده و مخصوصاً در زمینه تعداد مقالات چاپ شده، کشور رشد زیادی کرده است.	تعداد پژوهشگران
۵	سطح تحصیلات در بین کارکنان بخش دولتی و در بین اقشار مختلف جامعه به شدت روبه رشد است.	سطح تحصیلات
۶	در دوران پس از انقلاب، سطح باسوادی جامعه رشد زیادی داشت اما امروز نرخ ترک تحصیل و کودکان کار نگران‌کننده است.	نرخ باسوادی
۷	آنقدر افراد جامعه با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند که دیگر فرصتی برای کتاب‌خوانی ندارند و از این جهت جامعه رو به نزول است.	میزان مطالعه کتاب
۸	با رشد رسانه‌های مجازی، اقبال مردم به رسانه‌های دیگر مثل روزنامه‌ها کم شده، ولی هنوز آنها مخاطبان خاص خود را دارند.	سطح فعالیت مطبوعات

بر اساس یافته‌ها، ۵۶ کد برای متغیر رفاه شناسایی شد. این کدها حاصل بررسی متن مصاحبه‌ها و شناسایی کدهای مربوط به آنها بود. البته، در خیلی از موارد، مطالب بیان شده توسط مصاحبه‌شوندگان به مطالب مشترکی اشاره می‌کردند که کد مربوط به آنها در مصاحبه‌ها وجود داشت. همچنین، علاوه بر شناسایی کدهای مربوط به متغیر رفاه، راهبردهای مربوط به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. چند نمونه متن مصاحبه و کدهای استخراج شده برای راهبردهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

ردیف	متن مصاحبه	شاخص
۱	در خیلی از مسائل در وزارت کار، نظرات کارشناسی اهمیت زیادی دارد؛ اما در تصمیم‌گیری‌ها این نظرات کمتر لحاظ می‌شود.	کاهش تمرکز در ساختار سازمانی
۲	با توجه به اینکه شرایط رفاهی جامعه دائم در حال تغییر است و شرایط سخت‌تر می‌شود، نیاز است در وزارت و سازمان‌های زیرمجموعه شرایط منعطف‌تری برای برخورد با این شرایط ایجاد شود.	کاهش رسمیت و ارتقای انعطاف ساختار سازمانی
۳	با یک بررسی دقیق، می‌توان خیلی از هزینه‌هایی را که ارزش افزوده برای سازمان ندارد، حذف کرد.	کاهش ریخت و پاش‌های هزینه‌زا
۴	کارایی هزینه‌های اداری در وزارت کار باید با کاهش هزینه‌های زائد ارتقا یابد.	کاهش هزینه‌های اداری
۵	هزینه تمام شده خدمات در وزارت کار بسیار بالا است که فشار مالی زیادی را به دنبال دارد.	کاهش قیمت تمام شده ارائه خدمات
۶	سازمان‌های دولتی در طول سالیان به جای اینکه عملکرد و فعالیت خود را توسعه دهند، خود را بزرگ‌تر کرده‌اند و بسیاری از این ناکارآمدی‌ها از همین موضوع است.	کوچک کردن تشکیلات اداری
۷	در ساختار سازمان‌های امروزی، خیلی از فعالیت‌های حاشیه‌ای توسط شرکت‌های بیرونی به صورت برون‌سپاری خدمات انجام می‌گیرد.	بهره‌گیری از برون‌سپاری و خدمات مشاوران

گام ۳- جست‌وجوی تم‌ها: در این مرحله، کدهایی که از مرحله قبل استخراج بود و از نظر محتوایی با هم اشتراک داشتند، توسط محقق ادغام شده و تم‌ها را شکل دادند.

گام ۴- بازبینی تم‌ها: در این مرحله، محقق به بررسی مجدد تم‌ها پرداخت و نتایج کدگذاری را با نتایج شناسایی تم‌ها انطباق داد. همچنین، نقشه تم‌ها بررسی گردید که نشان داد ساختاری قابل قبول دارد.

گام ۵ - تعریف و نام‌گذاری تم‌ها: پس از نهایی شدن نقشه تم‌ها و دسته‌بندی انجام شده، محقق نسبت به نام‌گذاری تم‌ها اقدام کرد.

نتایج حاصل از تحلیل تم مربوط به متغیر رفاه و راهبردهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جدول ۵ درج شده است. همان گونه که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، متغیر رفاه از ۵ مؤلفه رفاه اقتصادی، رفاه اجتماعی، رفاه فرهنگی، رفاه سلامت و رفاه ذهنی (نشاط) تشکیل شده است. یک جامعه که از نظر شاخص رفاه وضعیت مطلوبی دارد، باید در زمینه این ۵ مؤلفه وضعیت مطلوبی داشته باشد. همچنین، پس از شناسایی تم‌های اصلی و فرعی، راهبردهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که می‌تواند برای ارتقای سطح رفاه جامعه به کار گرفته شود، در جدول ۶ ارائه شده است. همان گونه که ملاحظه می‌شود، ۹ بعد و ۲۷ مؤلفه برای راهبردهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پس از مرحله استخراج تم‌ها، شناسایی شده است.

جدول ۵. نتایج کدگذاری متغیر رفاه

مؤلفه	شاخص
رفاه اقتصادی	بیکاری، ضریب جینی، تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، شاخص فقر، امنیت توری، وضعیت تجارت خارجی، بدهی خارجی، حجم سرمایه گذاری انجام گرفته، آزادی اقتصادی (باز بودن اقتصاد) و قدرت خرید مردم
رفاه فرهنگی	دسترسی به آموزش، تعداد پژوهشگران، سطح تحصیلات، نرخ باسوادی، میزان مطالعه کتاب، سطح فعالیت مطبوعات، سطح تولید محصولات فرهنگی (فیلم، موسیقی و ...)، شرکت مردم در فعالیت‌های فرهنگی، میزان حاکمیت دین و اصول دینی و سطح فساد
رفاه سلامت	امید به زندگی، تعذیه سالم، خدمات بیمه درمان، دسترسی به خدمات بهداشتی، مرگ‌ومیر کودکان، سرانه مراکز ارائه دهنده خدمات سلامت، سرانه مراکز ورزشی، سهم هزینه‌های سلامت در سبد خانوار، تحول نظام سلامت، آموزش و پژوهش‌های سلامت، دسترسی به خدمات برای بیماران خاص و سالمندان و بیماری‌های روانی
رفاه اجتماعی	تساوی زنان، آزادی فردی، وضعیت بزهکاری و ناهنجاری‌های اجتماعی، امنیت، وضعیت پایداری خانواده‌ها، نرخ ازدواج و طلاق، دسترسی به خدمات عمومی، رشد جمعیت، حفاظت از محیط زیست، پوشش بیمه تأمین اجتماعی، مالکیت مسکن و تأمین معیشت پس از بازنشستگی
رفاه ذهنی (نشاط)	عزت نفس در جامعه، امید به آینده، اعتماد عمومی، شادی فردی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی، نشاط معنوی، عدالت اجتماعی، هویت محلی و ملی، مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و آرامش روانی

جدول ۶. نتایج کدگذاری راهبردهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

راهبرد اصلی	راهبرد فرعی	شاخص (کد)
شفافیت	شفافیت مالی	شفافیت منابع مالی در دسترس، شفافیت در مبنا و معیار اولویت در تخصیص منابع مالی، شفافیت میزان تخصیص منابع مالی به برنامه‌های رفاه، گزارش‌های مالی مستمر، حسابرسی‌های دوره‌ای و آشکارسازی مالی
	شفافیت در تصمیمات داخلی	مشخص بودن تصمیم‌گیرندگان، شفافیت فرایند تصمیم‌گیری، شفافیت اطلاعات مورد استفاده در تصمیمات، شفافیت منابع اطلاعات، شفافیت اهداف تصمیمات و شفافیت جامعه هدف تصمیمات
	شفافیت در روابط خارجی	شفافیت مسئولیت‌ها نسبت به جامعه، شفافیت مسئولیت‌های زیست محیطی، شفافیت منافع متقابل با ذی‌نفعان بیرونی، شفافیت قراردادهای و تفاهم نامه‌ها و شفافیت مبادلات مالی با ذی‌نفعان بیرونی
کارایی	کارایی تشکیلات اداری	کاهش تمرکز در ساختار سازمانی، کاهش رسمیت و ارتقای انعطاف ساختار سازمانی، کاهش ریخت‌وپاش‌های هزینه‌زا، کاهش هزینه‌های اداری، کاهش قیمت تمام شده ارائه خدمات، کوچک کردن تشکیلات اداری، بهره‌گیری از برون‌سپاری و خدمات مشاوران، کاهش بوروکراسی سازمانی، حذف سلسله مراتب زائد و حرکت به سمت ساختارهای افقی
	کارایی منابع انسانی	جذب نیروهای شایسته و نخبه، آموزش و توسعه دانش و مهارت افراد، تشویق افراد به دانش‌اندوزی، احترام و تکریم کارکنان، مقابله با تعارضات و تخلفات افراد، تقویت شبکه‌ها و کانال‌های ارتباطی بین افراد سازمان، شایسته‌سالاری و تأمین نیازهای منابع انسانی
	اصلاح فرایندها	حذف فرایندهای زائد و فاقد ارزش افزوده سازمانی، طراحی مجدد فرایندها، متناسب با نیازهای جدید، مشتری‌مداری در طراحی فرایندها، هدف‌گذاری فرایندها، حذف فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده در فرایندها، تعیین مسئولیت‌ها و نقش‌ها در فرایند و بهبود مستمر

ادامه جدول ۶

شخص (کد)	راهبرد فرعی	راهبرد اصلی
شناسایی انتظارات ذی‌نفعان مختلف، ترسیم اهداف مشترک، شناسایی مسائل و دغدغه‌های مشترک ذی‌نفعان، بسترسازی تشکیلاتی برای مشارکت ذی‌نفعان، به اشتراک گذاری ظرفیت‌ها، مدیریت تعارضات، بهره‌گیری از ظرفیت NGOها و نهادهای مدنی و بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی و سایر بخش‌های درگیر	بسترسازی مشارکت	مشارکت
ارتقای اعتماد بین ذی‌نفعان مختلف، ارتقای آگاهی و دانش ذی‌نفعان، ایجاد بستر ارتباطی بین ذی‌نفعان، تقویت انسجام اجتماعی، افزایش تعاملات و ارتباطات اجتماعی، توسعه شبکه‌های اجتماعی بین ذی‌نفعان، ارتقای حس نوع دوستی و انسان دوستی، تأکید بر تحقق منافع جمعی و پایبندی به هنجارها	تقویت سرمایه اجتماعی	
نظرخواهی از ذی‌نفعان، بها دادن به مسائل و دغدغه‌های مردم، ایجاد کانال‌های ارتباطی، توجه به خواسته‌ها و اولویت‌های ذی‌نفعان، افزایش آزادی بیان و گسترش تعامل مبتنی بر احترام	ارتقای دموکراسی	
جذب افراد نخبه و توانمند، ارتقای دانش کارکنان فعلی، اکتساب دانش از منابع بیرونی، ارتباط با مراکز دانش بنیان و دانشگاه‌ها، توسعه ارتباط با موسسات تخصصی، ارتباط با نهادهای بین‌المللی و سایر کشورها، توسعه سیستم‌های اطلاعاتی و تقویت ظرفیت جذب دانش	حفظ و توسعه منابع دانشی	مدیریت دانش
ایجاد بستر ارتباطی برای انتقال دانش بین افراد، تشویق افراد ماهر و باتجربه به تسهیم دانش، ایجاد بستر مجازی برای تسهیم دانش، مدیریت تیمی، مدیریت مشارکتی، بهبود جو سازمانی و مبادله دانش بین افراد	تسهیم دانش	
استقبال از ایده‌ها و نظرات خلاقانه، نظام پیشنهادها، حمایت مدیریت از کارکنان خلاق، انگیزش کارکنان، اجرای ایده‌های مطلوب و مدیریت تغییر	خلق دانش	
حمایت از اجرای قانون، وضوح و عدم ابهام قوانین، واقع‌گرایی در تدوین قانون، به‌روزرسانی قوانین، بستن راه‌گریز از قوانین، صراحت متن قانون و مقابله با تبعیض در اجرای قانون	قانون مداری	سلامت سازمانی
حاکم کردن ضوابط به جای روابط، مقابله با گروه‌های قدرت، مقابله با خویشاوندمداری، مقابله با زدوبند و بده‌بستان، تقویت حراست و بازرسی، شناسایی ضعف‌های سیستمی و رفع آنها و پرهیز مسامحه در مقابل افراد فاسد	مقابله با فساد	
حمایت مدیریت از اصول اخلاقی، اولویت دادن به رعایت اخلاق در همه شئون، نه‌پایه کرده ارزش‌های اخلاقی در فرهنگ سازمانی، رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای و رعایت اصول اخلاقی و احترام به مشتریان	اخلاق مداری	باور سازمانی
مقابله با هرگونه تبعیض‌گرایی، صیانت از نیروی کار، رعایت عدالت در تنظیم روابط بین نیروی کار و کارفرما، رعایت عدالت در پوشش خدمات تأمین اجتماعی و رعایت عدالت در اجرای قوانین نسبت به تمام آحاد جامعه	عدالت محوری	
رعایت اصول و احکام اسلامی و دینی، عدم پیروی از اهداف صرفاً اقتصادی، تأکید بر تقوا و خداترسی، تأکید بر پاکدستی و درستی در بین کارکنان، صداقت در گرفتار و عمل مدیران و تقویت فرهنگ دینی	دین محوری (معنویت)	

ادامه جدول ۶

شاخص (کد)	راهبرد فرعی	راهبرد اصلی
پایش تغییرات محیطی از جمله محیط اقتصادی، پایش شاخص‌های محیطی از جمله شرایط اقتصادی، بهره‌گیری از داده‌ها و اطلاعات موثق، بهره‌گیری از روش‌های علمی در تحلیل، تعیین اولویت‌ها بر اساس واقعیات (به جای نظرات شخصی)، تمرکز بر داده‌ها و اطلاعات میدانی، بهره‌گیری از نظرات مجربان و پرهیز از رویکرد بالا به پایین در تدوین سیاست	واقع‌گرایی	سیاست‌گذاری اثربخش
توجه به دغدغه‌های جوامع هدف از جمله نیروی کار و کارفرمایان، آگاهی از انتظارات جوامع هدف، تعدیل انتظارات غیرواقعی، ایجاد تفاهم بین فعالان جوامع هدف و تأمین منافع طرفین سیاست‌ها (استراتژی برد-برد)	تمرکز بر جامعه هدف	
هدف‌گذاری برای سیاست‌ها، شفافیت و واضح بودن سیاست‌ها، نگارش مناسب سیاست‌ها، پشتوانه علمی سیاست‌ها و انسجام و پیوستگی سیاست‌ها	کیفیت سیاست	
تعریف چشم‌انداز و اهداف بلندمدت، تکیه بر نقاط قوت و ظرفیت‌ها و مرتفع کردن ضعف‌ها، خلق ارزش بلندمدت، آینده‌نگری، بهره‌گیری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدها و تکیه بر ارزش‌های مشترک	جهت‌گیری استراتژیک	
توجه به خط فقر، بازپروری افراد آسیب دیده، حمایت از اقشار آسیب پذیر، مقابله با مفاسد اخلاقی، مقابله با بزه‌کاری، توجه به مشکلات معیشتی، پیشگیری از آسیب‌ها و راهبردها داوطلبانه و عام‌المنفعه	مقابله با آسیب‌های اجتماعی	مسئولیت اجتماعی
توجه به اهداف کلان جامعه، مشارکت در تحقق اهداف جامعه، تعهد به تعالی جامعه، تعامل با اقشار مختلف جامعه، توجه به خواسته‌های اقلیت‌ها، رعایت حقوق شهروندان و کمک به نهادهای اجتماعی و مدنی	پیگیری منافع جامعه	
حمایت از افراد متأهل، حمایت از فرزندآوری، توجه به اشتغال جوانان، توجه به معلولین و بیماران، حمایت از مناطق کمتر توسعه یافته، حمایت از روستاییان و حمایت از مشاغل سخت و زیان آور	حمایت از اقشار خاص	
بازتعریف اهداف بخش تعاون، بازتعریف نقش تعاونی‌ها، ساماندهی تعاونی‌ها، تغییر ساختار تعاونی‌ها، هدایت تعاونی‌ها به سمت اولویت‌های جامعه و توسعه بخش تعاونی الکترونیک	بازآفرینی بخش تعاون	توسعه نهادی و سازمانی
بازسازی ساختار مالی، مدیریت علمی، اصلاح ساختار اجرایی، بازتعریف اهداف، سودآوری منصفانه، پایداری عملکرد، حمایت از بخش تولید و تأمین منافع توامان نیروی کار و کارفرما	تحول سازمان تأمین اجتماعی	
حمایت از تشکیل نهادهای اجتماعی و مردم نهاد، بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای اجتماعی و مردم نهاد، هم‌فکری با نهادهای اجتماعی و مردم نهاد و توسعه توانمندی‌های نهادهای اجتماعی و مردم نهاد	توسعه نهادهای اجتماعی و مردم نهاد	

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل تم و نظرخواهی از خبرگان، مدل پژوهش طراحی گردید. در مدل پژوهش علاوه بر راهبردها و ابعاد متغیر رفاه، پیامدهای حاصل از حکمرانی رفاه که در مصاحبه‌ها به آنها اشاره شده بود، ارائه شده که در شکل ۲ قابل مشاهده است.



شکل ۲. الگوی رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب

الگوی ارائه شده در شکل ۲ از سه جزء اصلی شامل پیشرانها، راهبردها و پیامدها و نتایج تشکیل شده است. پیشرانها در واقع محرک‌هایی هستند که انجام اقدامات و برنامه‌های مبتنی بر حکمرانی خوب در زمینه رفاه عمومی را ایجاب می‌کند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشرانها ۵ بعد رفاه در جامعه را پوشش می‌دهد و رفاه اقتصادی، فرهنگی، سلامت، اجتماعی و رفاه ذهنی و نشاط را شامل می‌شود. در این پژوهش، ابعاد رفاه عمومی شناسایی شده در سایر پژوهش‌های مورد توجه قرار گرفته است، اما ضمن ایجاد یک تفکیک مناسب بین ابعاد رفاه عمومی، در بین شاخص‌ها، عوامل بومی گنجانده شده است. برای مثال، در بعد فرهنگی، شاخص «حاکمیت دین و اصول دینی» و یا در بعد رفاه ذهنی، شاخص «نشاط معنوی» نمونه‌هایی از وجود شاخص‌های بومی در الگوی پژوهش است. الگوی ارائه شده در پژوهش حاضر، با سایر الگوهای اندازه‌گیری رفاه عمومی مانند پژوهش خستو و همکاران (۱۳۹۷)، رفیعی و همکاران (۱۳۹۴) و مک‌کریا و همکاران (۲۰۱۵) سازگار است و آنها را پوشش می‌دهد. همچنین، الگوی پژوهش حاضر، دو بعد «رفاه عینی» و «رفاه ذهنی» ارائه شده توسط ووکلاتو و همکاران (۲۰۲۱) را پوشش می‌دهد و ابعاد اقتصادی، سلامت و اجتماعی بیشتر با «رفاه عینی» و بعد سیاسی با «رفاه ذهنی» سازگاری دارد. همچنین، متغیرهای مطرح شده توسط گروندلر و کلنر (۲۰۲۰) در ابعاد اجتماعی و سیاسی الگوی پژوهش پوشش داده شده است و با آن سازگاری دارد. در مجموع می‌توان گفت، الگوی پژوهش علاوه بر اینکه بر پایه الگوهای موجود در زمینه رفاه عمومی بنا شده و با آنها سازگاری دارد، نسبت به الگوهای موجود، جامع‌تر و عملیاتی‌تر است.

همچنین، در پژوهش حاضر، راهبردهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در زمینه رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب شناسایی شده است. این راهبردها شامل شفافیت، کارایی، مشارکت، مدیریت دانش، سلامت سازمانی، باورمداری، سیاست‌گذاری اثربخش، مسئولیت اجتماعی و توسعه نهادی و سازمانی هستند. راهبردهای شناسایی شده جنبه‌های مختلف مأموریت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را به‌عنوان متولی رفاه عمومی جامعه پوشش می‌دهد و این الگو سلامت سازمانی (کارکابا^۱، ۲۰۲۲)، سیاست‌گذاری اثربخش (عمری و هاج^۲، ۲۰۲۰) و کارایی را پوشش می‌دهد. البته، با توجه به اینکه خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش، هم از نگاه علمی و هم اجرایی به ارائه راهبردهای ارتقادهنده رفاه عمومی پرداختند و از این نظر راهبردهای ارائه شده در این پژوهش، هم پشتیبان علمی و هم قابلیت اجرایی لازم را دارند.

نهایتاً رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب می‌تواند پیامدهای ارزشمندی از جمله مشروعیت حاکمیت، پایداری اجتماعی و رشد و توسعه کشور را به همراه داشته باشد. با توجه به اینکه در سالیان اخیر مسائل معیشتی و اقتصادی متعددی در جامعه رخ داده و سطح نشاط و شادمانی مردم کاهش یافته است، انجام راهبردهای مطلوب در زمینه رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، می‌تواند تأثیر زیادی در زمینه مشروعیت حاکمیت داشته باشد و کاهش سطح اعتماد بین دولت و حاکمیت و شهروندان را پوشش دهد. همچنین، مشکلات اجتماعی و فرهنگی در سطح جامعه طی سالیان اخیر زیاد شده که بر اساس یافته‌های پژوهش اقدامات در زمینه حکمرانی رفاه می‌تواند سطح پایداری اجتماعی را ارتقا دهد. نهایتاً، هدف غایی تمامی فعالیت‌ها در زمینه حکمرانی این است که کشور به سمت رشد و توسعه حرکت کند و در این پژوهش نیز یافته‌ها گویای آن است که اقدامات انجام گرفته در زمینه رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌تواند منجر به رشد و توسعه کشور شود.

برای روایی بخش کیفی این پژوهش از روش‌های مثلثی و بررسی‌های اعضا استفاده شد. بدین منظور، نتایج تحلیل تم توسط ۴ نفر از اساتید دانشگاهی و ۲ نفر از خبرگان اجرایی شرکت‌کننده در مصاحبه بررسی شد که نتایج مورد تأیید آنها قرار گرفت. همچنین، نتایج پژوهش با تئوری‌های موجود و گزارش‌های رفاه جامعه مورد بررسی قرار گرفت که با نتایج تحلیل تم سازگاری داشت. برای بررسی پایایی مرحله کیفی نیز، از بین مصاحبه‌های انجام شده در این پژوهش، تعداد ۴ مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب شد و هر کدام در فاصله زمانی ۱۴ روز دو بار توسط محقق کدگذاری گردید. سپس کدهای تعیین‌شده برای هریک از مصاحبه‌ها تک‌تک با هم مقایسه شدند. در هر یک از مصاحبه‌ها، کدهای مشابه به‌عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه به‌عنوان «عدم توافق» مشخص گردید. قابلیت اعتماد یا پایایی نتایج پژوهش در جدول ۷ نشان داده است. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، میانگین کدها در مرحله اول ۳۰/۵، میانگین کدها در مرحله دوم ۳۱/۲۵، میانگین توافق‌ها ۲۷/۵، میانگین عدم توافق‌ها ۲/۵ و پایایی کل ۸۸/۵ درصد است که با توجه به اینکه بالاتر از ۷۰ درصد می‌باشد، پایایی تأیید می‌شود.

جدول ۷. قابلیت اعتماد یا پایایی نتایج پژوهش

مصاحبه	تعداد کد در مرحله اول	تعداد کد در مرحله دوم	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	درصد پایایی
۱	۲۸	۳۲	۲۵	۳	۸۳
۲	۳۳	۳۶	۳۱	۳	۸۹
۳	۳۲	۳۰	۲۸	۲	۹۰
۴	۲۹	۲۷	۲۶	۲	۹۲
کل	۳۰/۵	۳۱/۲۵	۲۷/۵	۲/۵	۸۸/۵

اعتبارسنجی مدل پژوهش

در پژوهش حاضر، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری بر پایه روش حداقل مربعات جزئی (PLS) برای آزمون مدل حکمرانی رفاه استفاده شد. بدین منظور، نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس استفاده شد. در ابتدا برای اعتبارسنجی مدل، باید از کفایت نمونه^۱ که ۲۱۵ نفر از مدیران و خبرگان در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بود، اطمینان حاصل کرد. روش‌های متعددی برای بررسی کفایت حجم نمونه وجود دارد که از جمله آنها شاخص KMO است که مقدار آن همواره بین صفر تا یک در نوسان است. از سوی دیگر، برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها مبنی بر اینکه ماتریس هم‌بستگی‌هایی که پایه تحلیل قرار می‌گیرد در جامعه برابر با صفر نیست، از آزمون بارتلت^۲ (t) استفاده گردید. با توجه به مقدار شاخص KMO و همچنین مقدار آماره بارتلت^۳ که به ترتیب برابر با ۰/۸۱۲ و ۰/۰۰۰ است، نتایج نشان‌دهنده کفایت نمونه‌ها است.

پس از تأیید کفایت حجم نمونه، باید پایایی و روایی بررسی گردد. آلفای کرونباخ، معیاری کلاسیک برای ارزیابی پایایی و سنجش مناسبی برای بررسی پایداری درونی (سازگاری درونی) است. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷، بیانگر پایایی قابل قبول است. از آنجا که آلفای کرونباخ یک روش سنتی برای تعیین پایایی سازه‌ها است، معیار مدرن‌تری نسبت به آلفا به نام پایایی ترکیبی به کار می‌رود. این معیار توسط ورتس، لین و یورسکوگ^۴ (۱۹۷۴) معرفی شد. برتری پایایی ترکیبی نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق، بلکه با توجه به هم‌بستگی سؤالاتشان با یکدیگر محاسبه می‌شود (هم‌بستگی سؤالات یک متغیر در مدل). با توجه به جدول ۸ مقدار پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ برای همه متغیرها تأیید شد، زیرا بزرگ‌تر از ۰/۷ هستند. همچنین، برای بررسی روایی هم‌گرا از معیار AVE (میانگین واریانس استخراج شده) استفاده گردید که نشان‌دهنده میزان هم‌بستگی یک سازه با شاخص‌های خود است و هر چه این هم‌بستگی بیشتر باشد، برازش نیز بهتر است. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) معیار AVE را برای سنجش روایی

1. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy
2. Bartlett Test
3. Bartlett's Test of Sphericity Sig
4. Werts, Linn & Joreskog

هم‌گرا ارائه کردند و مقدار بحرانی برای آن را مقدار ۰/۵ بیان کردند. مقادیر محاسبه شده AVE گون همگی بالای ۰/۵ است، نشان دهنده این است که روایی هم‌گرای متغیرهای پژوهش مناسب است

جدول ۸. مقادیر آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و AVE

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE
حکمرانی رفاه	۰/۸۶	۰/۸۹	۰/۷۱
پیشران‌ها	۰/۸۶	۰/۸۷	۰/۷۳
راهبردها	۰/۸۱	۰/۸۴	۰/۷۰
پیامدها	۰/۷۹	۰/۸۴	۰/۶۸

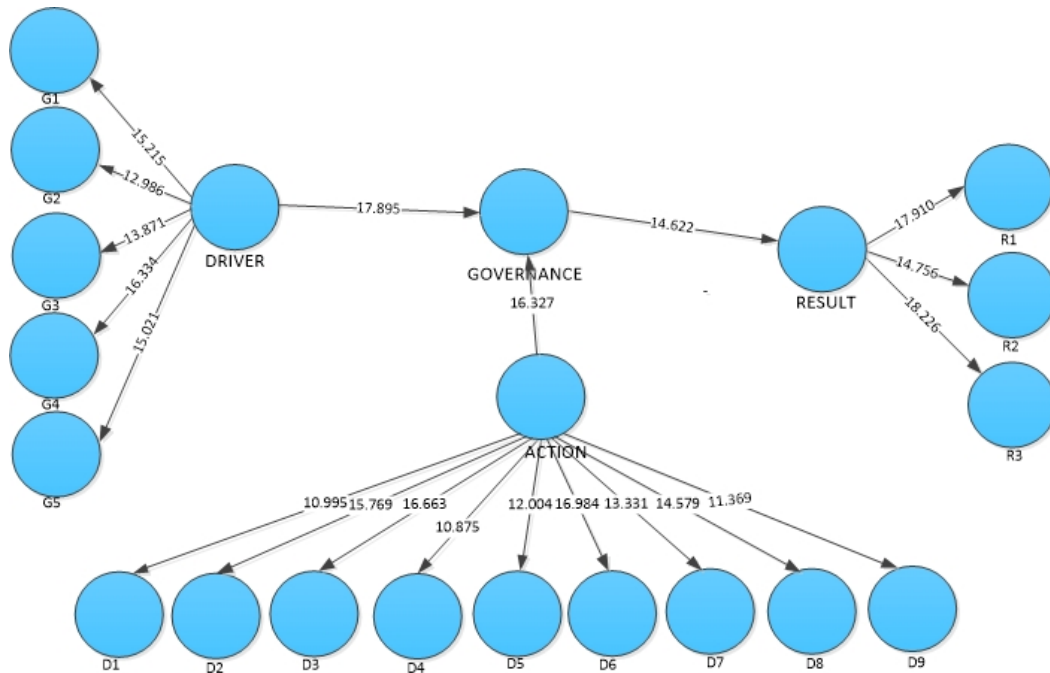
روایی واگرا سومین معیار سنجش برازش مدل‌های ساختاری است. به‌زعم فورنل و لارکر، روایی واگرا وقتی قابل‌قبول است که میزان میانگین واریانس استخراج شده برای هر سازه، بیش از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل پژوهش باشد. با توجه به جدول ۹ می‌توان گفت که روایی واگرا زمانی در حد قابل‌قبولی است که جذر میانگین واریانس استخراج شده (\sqrt{AVE}) برای هر متغیر بیشتر از هم‌بستگی آن متغیر با سایر متغیرها است. بنابراین روایی واگرای متغیرهای پرسش‌نامه پژوهش مورد تأیید است.

جدول ۹. محاسبات مربوط به روایی واگرا

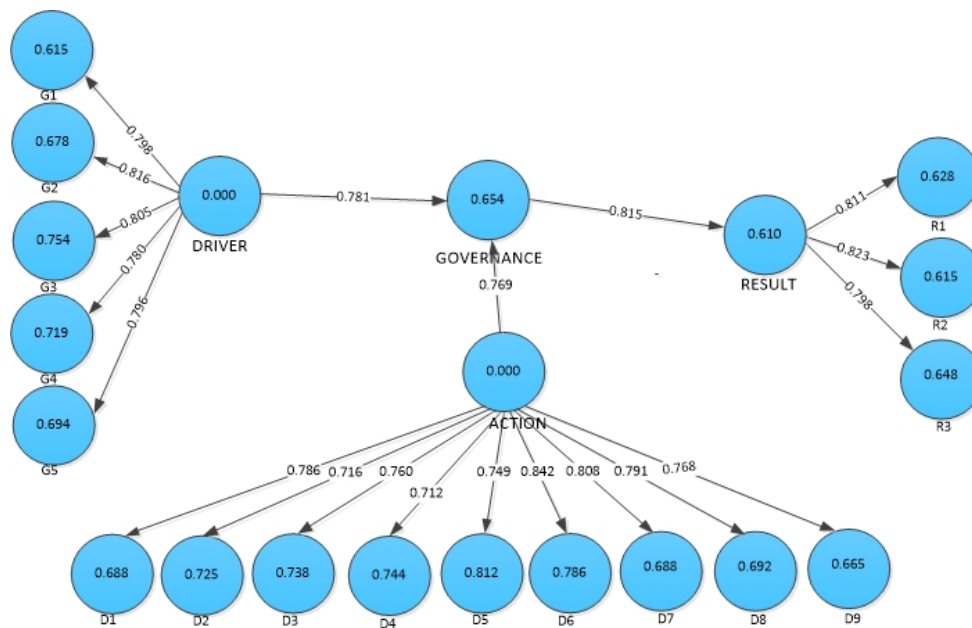
متغیر	حکمرانی رفاه	پیشران‌ها	راهبردها و ویژگی‌ها	پیامدها
حکمرانی رفاه	۰/۸۱۶			
پیشران‌ها	۰/۳۱۵	۰/۸۲۵		
راهبردها	۰/۲۴۸	۰/۳۱۶	۰/۷۸۵	
پیامدها	۰/۳۴۶	۰/۳۱۵	۰/۲۹۵	۰/۷۲۱

همچنین، بخش ساختاری مدل برخلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به پرسش‌ها و متغیرهای آشکار نیازی ندارد و تنها به متغیرهای پنهان و روابط میان آنها توجه می‌شود. در این پژوهش، برازش مدل ساختاری با استفاده از معیارهای ضریب تعیین (R^2)، معیار Q^2 ، و ضرایب معناداری انجام گرفت.

برای سنجش رابطه بین سازه‌ها در مدل‌های معادلات ساختاری، اعداد معناداری t مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر مقدار آماره محاسبه شده برای t خارج از بازه $-۱/۹۶$ تا $+۱/۹۶$ قرار گیرد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار خواهد بود و اگر مقدار آماره t درون این بازه قرار گیرد، در نتیجه ضریب مسیر برآورد شده معنادار نبوده و فرضیه متناسب با آن رد خواهد شد. شکل ۳ مدل مفهومی پژوهش را در حالت معناداری ضرایب نشان می‌دهد.



شکل ۳. مدل ساختاری تحقیق در حالت ضرایب معناداری



شکل ۴. مدل ساختاری تحقیق در حالت استاندارد

مطابق با اطلاعات ارائه شده در شکل ۳ تمام روابط تدوین شده در مدل مفهومی پژوهش تأیید قرار گرفت. زیرا مقدار آماره t که برای آنها گزارش شده است، بیشتر از مقدار بحرانی $۱/۹۶$ در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. در ضمن، شکل ۴ مدل مفهومی پژوهش را در حال تخمین ضرایب استاندارد نشان می‌دهد. در این شکل شدت تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر مشخص شده است. در درون یک مدل معادلات ساختاری هر اثر مستقیم، رابطه‌ای را میان یک متغیر وابسته و متغیر مستقل، مشخص و بیان می‌کند. اگرچه یک متغیر وابسته در یک اثر مستقیم دیگر می‌تواند متغیر مستقل باشد و برعکس.

همچنین، جدول ۱۰ روابط بین اجزای مدل را بر اساس نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نمایش داده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، کلیه ضرایب مسیر محاسبه شده معنادار هستند و بنابراین، روابط تعریف شده در مدل پژوهش مورد تأیید قرار گرفتند.

جدول ۱۰. نتایج تحلیل مسیر

ردیف	مسیر	ضریب مسیر	t-Value	نتیجه
۱	پیشران‌ها	۰/۷۸۱	۱۷/۸۹۵	تأیید
۲	راهبردها	۰/۷۶۹	۱۶/۳۲۷	تأیید
۵	حکمرانی رفاه	۰/۸۱۵	۱۴/۶۲۲	تأیید

بر اساس نتایج معادلات ساختاری، مقدار آماره t مسیر پیشران‌ها به حکمرانی رفاه است، بزرگ‌تر از $۱/۹۶$ است؛ لذا رابطه بین این دو متغیر معنی‌دار است و ضریب مسیر $۰/۷۸۱$ نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد. بدین صورت که اگر پیشران‌ها یک واحد افزایش یابد به شرط ثابت نگه داشتن سایر عوامل، راهبردها $۰/۷۸۱$ واحد افزایش خواهد یافت. در مورد سطح معناداری مسیر راهبردها و ویژگی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی چون مقدار آماره t بزرگ‌تر از $۱/۹۶$ است، لذا رابطه بین دو متغیر معنی‌دار می‌باشد و ضریب مسیر $۰/۷۶۹$ نشان از آن دارد که رابطه مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد. بدین صورت که اگر راهبردها، یک واحد افزایش پیدا کند، به شرط ثابت نگه داشتن سایر عوامل، حکمرانی رفاه $۰/۷۶۹$ واحد افزایش خواهد یافت. نهایتاً، در مورد سطح معناداری مسیر عوامل حکمرانی رفاه عمومی به پیامدها با توجه به اینکه مقدار آماره t بزرگ‌تر از $۱/۹۶$ است، لذا رابطه بین دو متغیر معنی‌دار می‌باشد و ضریب مسیر $۰/۸۱۵$ نشان از آن دارد که رابطه مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد. بدین صورت که اگر حکمرانی رفاه، یک واحد افزایش پیدا کند، به شرط ثابت نگه داشتن سایر عوامل، پیامدها $۰/۸۱۵$ واحد افزایش خواهد یافت. بنابراین، کلیه ضرایب مسیر محاسبه شده معنادار هستند و بنابراین، روابط تعریف شده در مدل پژوهش مورد تأیید قرار گرفتند. همچنین، ضریب تعیین (R^2) معیاری است که نشان دهنده میزان تغییرات در هریک از متغیرهای وابسته مدل است که به وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. مقدار R^2 تنها برای متغیرهای درون‌زای مدل محاسبه می‌شود. هرچه مقدار R^2 سازه‌های

درونزای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل خواهد بود. چین^۱ (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی بودن برازش بخش ساختاری مدل به وسیله معیار ضریب تعیین تعریف کرده است. مقدار R^2 برای حکمرانی رفاه ۰/۶۵۴ و برای متغیر پیامدها ۰/۶۱۰ محاسبه گردید که مقادیری قابل قبول و مناسب هستند.

شاخص Q^2 توسط استون و گیزر^۲ (۱۹۷۵) معرفی شد که این شاخص، قدرت پیش‌بینی مدل را نشان می‌دهد. از دیدگاه آنها، مدل‌هایی که دارای برازش بخش ساختاری مناسبی هستند، باید قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درونزای مدل را داشته باشد. در صورتی که مقدار Q^2 در مورد یک سازه درون‌زا صفر و یا کمتر از صفر باشد، نشان می‌دهد که روابط بین سازه‌های دیگر مدل و آن سازه درون‌زا به خوبی تبیین نشده است و مدل نیاز به اصلاح دارد. هنسler^۳ و همکاران (۲۰۰۹) در مورد شدت قدرت پیش‌بینی در مورد سازه‌های درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را مشخص کردند. معیار Q^2 برای متغیر حکمرانی رفاه مقدار ۰/۳۳ و پیامدها مقدار ۰/۳۱ محاسبه گردید که مقادیر مناسبی هستند. نهایتاً، معیار GOF نیز مربوط به برازش کلی مدل ساختاری است؛ بدین معنی که با این معیار، محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل پژوهش، برازش کلی را نیز کنترل کند. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۵ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF بیان شده اند که حصول عدد ۰/۳۳ برای این مدل، نشان از برازش مناسب مدل تحقیق دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، طراحی الگوی ارتقای رفاه عمومی با رویکرد حکمرانی خوب است. در مرحله کیفی پژوهش حاضر، از روش تحلیل تم و در مرحله اعتبارسنجی از روش توصیفی استفاده شد. در مرحله کیفی به منظور طراحی الگوی پژوهش، با ۲۰ نفر از خبرگان دانشگاهی و اجرایی که به صورت هدفمند انتخاب شدند، مصاحبه به عمل آمد و فرایندها مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در مرحله کمی برای اعتبارسنجی الگوی پژوهش، از مدیران و متخصصان در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با پرسش‌نامه نظرخواهی شد و داده‌ها با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس تحلیل گردید. حجم نمونه تعداد ۲۱۶ نفر با فرمول کوکران محاسبه گردید و اعضای نمونه با روش تصادفی ساده انتخاب شدند. بر اساس یافته‌ها، ۳ متغیر پیشران‌ها، راهبردها و ویژگی‌ها و پیامدها برای حکمرانی رفاه عمومی شناسایی گردید. تعداد پیشران‌های شناسایی شده ۵۶ کد، راهبردهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ۱۷۹ کد و پیامدهای حکمرانی رفاه عمومی ۲۷ کد است. پیشران‌های رفاه عمومی شامل ۵ بعد اقتصادی، فرهنگی، سلامت، اجتماعی و رفاه ذهنی (نشاط) و همچنین، راهبردها و ویژگی‌های مربوط به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شامل ۹ مورد شفافیت، کارایی، مشارکت، دانش‌گرایی، سلامت سازمانی، ارزش‌مداری، سیاست‌گذاری اثربخش،

1. Chin
2. Stone & Geisser
3. Hensler

مسئولیت اجتماعی و توسعه نهادی و سازمانی است. نتایج پژوهش نشان داد که استفاده از اصول حکمرانی خوب در ارتقای رفاه عمومی می‌تواند نقش زیادی داشته باشد. همچنین، راهبردها و ویژگی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در بهبود شرایط رفاه عمومی در جامعه نقش تعدیل‌کننده مهمی را ایفا کند.

الگوی ارائه شده در این پژوهش از سه جزء اصلی شامل پیشران‌ها، راهبردها تشکیل شده است. پیشران‌ها در واقع محرک‌هایی هستند که انجام راهبردها و برنامه‌های مبتنی بر حکمرانی خوب در زمینه رفاه عمومی را ایجاب می‌کند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشران‌ها شامل ۵ بعد رفاه در جامعه هستند که شامل رفاه اقتصادی، فرهنگی، سلامت، اجتماعی و رفاه ذهنی و نشاط است. در این پژوهش، ابعاد رفاه عمومی شناسایی شده در سایر پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است، اما ضمن ایجاد یک تفکیک مناسب بین ابعاد رفاه عمومی، در بین شاخص‌ها، عوامل بومی گنجانده شده است. برای مثال، در بعد فرهنگی، شاخص «حاکمیت دین و اصول دینی» و یا در بعد رفاه ذهنی، شاخص «نشاط معنوی» نمونه‌هایی از وجود شاخص‌های بومی در الگوی پژوهش است. الگوی ارائه شده در پژوهش حاضر، با سایر الگوهای اندازه‌گیری رفاه عمومی مانند پژوهش خستو و همکاران (۱۳۹۷)، رفیعی و همکاران (۱۳۹۴) و مک‌کریا، والتون و لئونارد^۱ (۲۰۱۵) سازگار است و آنها را پوشش می‌دهد. همچنین، الگوی پژوهش حاضر، دو بعد «رفاه عینی» و «رفاه ذهنی» ارائه شده توسط ووکلاتو و همکاران (۲۰۲۱) را پوشش می‌دهد و ابعاد اقتصادی، سلامت و اجتماعی بیشتر با «رفاه عینی» و ابعاد فرهنگی و رفاه ذهنی با «رفاه ذهنی» سازگاری دارد. همچنین، متغیرهای مطرح شده توسط گراندر^۲ و کلنر (۲۰۲۰) در ابعاد اجتماعی و فرهنگی الگوی پژوهش پوشش داده شده است و با آن سازگاری دارد. در مجموع می‌توان گفت، الگوی پژوهش علاوه بر اینکه بر پایه الگوهای موجود در زمینه رفاه عمومی بنا شده و با آنها سازگاری دارد، نسبت به الگوهای موجود، جامع‌تر و عملیاتی‌تر است.

همچنین، در پژوهش حاضر، راهبردهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در زمینه حکمرانی رفاه عمومی شناسایی شده است. این راهبردها شامل شفافیت، کارایی، مشارکت، مدیریت دانش، سلامت سازمانی، باور سازمانی، سیاست‌گذاری اثربخش، مسئولیت اجتماعی و توسعه نهادی و سازمانی هستند. راهبردها شناسایی شده جنبه‌های مختلف مأموریت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را به‌عنوان متولی رفاه عمومی جامعه پوشش می‌دهد و از آنجا که تاکنون شناسایی راهبردها در سایر پژوهش‌ها بررسی نشده، نتایج حاصل شده قابل مقایسه با نتایج دیگر پژوهش‌ها نیست. البته، با توجه به اینکه خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش، هم از نگاه علمی و هم اجرایی به ارائه راهبردهای ارتقا دهنده رفاه عمومی پرداختند و از این نظر راهبردهای ارائه شده در این پژوهش، هم پشتوانه علمی و هم قابلیت اجرایی لازم را دارند.

در مورد شفافیت به‌عنوان یکی از ابعاد مهم حکمرانی باید گفت که با توجه به اینکه بسیاری از سیاست‌ها و تصمیمات مرتبط با رفاه عمومی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با آحاد جامعه سروکار دارد و بر زندگی جامعه تأثیر می‌گذارد، نیاز است از شفافیت لازم برخوردار باشد. ابعاد مختلف شفافیت شامل موارد زیادی هستند که در این پژوهش، شفافیت مالی، شفافیت در تصمیمات داخلی و شفافیت در روابط خارجی مطرح شده است که همگی بر ایجاد شفافیت

1. Mc-Crea, Walton & Leonard
2. Grundler & Köllner

نحوه دخل و خرج‌ها و همچنین بر کیفیت سیاست‌ها و تصمیمات در زمینه رفاه عمومی تأثیرگذارند. دیگر راهبرد که معمولاً در اکثر مدل‌های حکمرانی مشاهده می‌شود، راهبرد کارایی است. با توجه به محدودیت منابعی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اختیار دارد، ضرورت دارد که حداکثر بهره‌برداری از منابع موجود انجام گیرد. راهبرد کارایی در این پژوهش بیشتر بر ساختار درونی وزارت متمرکز شده و به دنبال آن است در سطح تشکیلات اداری، منابع انسانی و فرایندهای سازمانی مرتبط با رفاه عمومی، سطح بالایی از کارایی وجود داشته باشد و از منابع موجود درست استفاده شود. در مورد مشارکت باید گفت با توجه به اینکه در زمینه رفاه عمومی ذی‌نفعان متعددی از جمله دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی درگیر هستند، نیاز است که به شکل مناسبی بستر مشارکت آنها توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی فراهم شود. از این رو، نیاز است که سطح سرمایه اجتماعی بین ذی‌نفعان مختلف فراهم شود و شرایطی فراهم گردد با افزایش سطح دموکراسی و آزادی بیان، زمینه اظهارنظر و مشارکت حداکثری ذی‌نفعان و گنجاندن دیدگاه و سلايق مختلف در مورد سیاست‌های رفاه عمومی فراهم گردد. همچنین، در رابطه با راهبرد سلامت سازمانی باید گفت که بسیار مهم است وزارتخانه‌ای که مأموریت اصلی آن ارتقای سطح رفاه آحاد جامعه است، از سلامت سازمانی مناسبی برخوردار باشد و ضمن اینکه قوانین مرتبط با رفاه عمومی به درستی اجرا می‌شود، فساد و زد و بند در آن در حداقل ممکن باشد. قطعاً، بسیاری از ناکارآمدی‌ها و تصمیماتی که منافع عده خاصی از افراد را تأمین می‌کند، نتیجه فقدان سلامت است و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان متولی ارتقای سطح رفاه عمومی در بدنه دولت، باید از نظر سلامت سازمانی الگو و نمونه باشد.

در مورد سیاست‌گذاری اثربخش، نیاز است در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سیاست‌های تدوین شده در زمینه رفاه عمومی متناسب با واقعیات شرایط عمومی جامعه باشد و همچنین با بهره‌گیری از مبانی علمی و کارشناسی صحیح، از کیفیت لازم برخوردار باشند. همچنین، سیاست‌ها لازم است که بر جامعه هدف تمرکز کند و ضمن شناسایی درست نیازها و انتظارات ذی‌نفعان، در جهت تأمین منافع آنها تدوین شود. نهایتاً، با توجه به اینکه مقوله رفاه یک موضوع پیوسته و بلندمدت است، نیاز است با بهره‌گیری از جهت‌گیری استراتژیک انجام شود. از این رو، ضرورت دارد سیاست‌ها در زمینه رفاه عمومی، از اثربخشی مطلوبی برخوردار است. همچنین، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی علاوه بر انجام وظایف و مسئولیت‌های خود، در زمینه مسئولیت اجتماعی نیز حضور فعالی داشته باشد. البته، اگرچه تمام نهادهای دولتی و حاکمیتی هدف نهایی خدمت به مردم را دنبال می‌کنند، اما مسئولیت در قبال آحاد جامعه و وظیفه خدشه‌ناپذیر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. در این زمینه، پیشگیری و رفع آسیب‌های اجتماعی، پیگیری اهداف و منافع کلیه افراد جامعه و حمایت از اقشار خاص و آسیب‌پذیر، از جمله مسئولیت‌های اجتماعی هستند که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به طور ویژه باید آنها را دنبال کند.

از طرفی، برای ارتقای کیفیت و داشتن پشتوانه علمی برای سیاست‌های و برنامه‌ها در زمینه رفاه عمومی نیاز است که مدیریت دانش و تخصص مبنا و پایه امور در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار گیرد. از این رو، ضمن حفظ دانش و تخصص موجود، باید تلاش شود زمینه به اشتراک گذاری دانش فراهم گردد و دائماً بر اساس تغییر انتظارات

ذی‌نفعان و همچنین شرایط متغیرهای رفاه عمومی، دانش جدید خلق گردد و زمینه سیاست‌گذاری مبتنی بر دانش و مبانی علمی فراهم گردد. ضمناً، می‌توان حوزه رفاه عمومی را یک حوزه ارزشی دانست که نیاز مبانی و اصول اخلاقی در آن لحاظ گردد. با توجه به اینکه رفاه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آحاد جامعه است، نمی‌توان با سیاست‌گذاری تبعیض آمیز و عدم توجه به عدالت در تأمین منافع ذی‌نفعان، به نتیجه مطلوب رسید. از این رو، ضرورت دارد باورسازمانی مبتنی بر اخلاق محوری، عدالت محوری و دین محوری مبنای کلیه تصمیمات و اقدامات مرتبط با رفاه عمومی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باشد. نهایتاً، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید توسعه نهادی و سازمانی را هم در داخل سازمان و هم در بخش‌های مرتبط با فعالیت خود از جمله بخش تعاون، سازمان تأمین اجتماعی و نهادهای اجتماعی مردم‌نهاد را مدنظر قرار دهد که توسعه و بهبود در هریک از زمینه‌ها می‌تواند زمینه ساز ارتقای سطح رفاه عمومی باشد و اهداف متعالی در این زمینه را محقق کند.

در نهایت، حکمرانی رفاه عمومی می‌تواند پیامدهای ارزشمندی از جمله مشروعیت حاکمیت، پایداری اجتماعی و رشد و توسعه کشور را به همراه داشته باشد. با توجه به اینکه در سالیان اخیر مسائل معیشتی و اقتصادی متعددی در جامعه رخ داده و سطح نشاط و شادمانی مردم کاهش یافته است، انجام راهبردها مطلوب در زمینه حکمرانی رفاه عمومی توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌تواند تأثیر زیادی در زمینه مشروعیت حاکمیت داشته باشد و کاهش سطح اعتماد بین دولت و حاکمیت و شهروندان را پوشش دهد. همچنین، مشکلات اجتماعی و فرهنگی در سطح جامعه طی سالیان اخیر زیاد شده که بر اساس یافته‌های پژوهش راهبردها در زمینه حکمرانی رفاه می‌تواند سطح پایداری اجتماعی را ارتقا دهد. نهایتاً، هدف غایی تمامی فعالیت‌ها در زمینه حکمرانی این است که کشور به سمت رشد و توسعه حرکت کند و در این پژوهش نیز یافته‌ها گویای آن است که راهبردها انجام گرفته در زمینه حکمرانی رفاه عمومی توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌تواند منجر به رشد و توسعه کشور شود.

پیشنهادها

در این پژوهش تلاش شد تا الگویی جامع و کاربردی برای ارتقای رفاه عمومی با رویکرد حکمرانی خوب طراحی گردد. پیشنهادهای کاربردی پژوهش به صورت زیر است:

۱. در راستای کاربردی نمودن «سیاست‌گذاری اثربخش» در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- سیاست‌گذاری در سازمان بر اساس داده‌های واقعی و روش‌های علمی انجام شود؛
 - سیاست‌گذاری در سازمان بر اساس نیازهای واقعی جامعه هدف انجام شود؛
 - سیاست‌های تدوین شده در سازمان دارای کیفیت قابل قبولی باشند؛
 - مسیر سازمان بر اساس برنامه استراتژیک و بلندمدت تدوین می‌شود.
۲. در راستای «مسئولیت اجتماعی» در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیشنهاد می‌گردد که:

- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نسبت به قشرهای آسیب‌پذیر و فقیر در جامعه مسئولیت‌پذیر باشد؛
 - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اهداف خود را در راستای اهداف جامعه پیگیری کند؛
 - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نسبت به اقشار خاص و ناتوان متعهد باشد.
۳. در راستای «مشارکت» در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیشنهاد می‌گردد که:
- بستر مناسبی برای مشارکت ذی‌نفعان مختلف در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی وجود داشته باشد؛
 - اعتماد و هم‌بستگی بین کارکنان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مطلوب باشد؛
 - زمینه مناسبی برای ابراز نظر و پیگیری آن در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی وجود داشته باشد.
۴. در راستای ارتقای «شفافیت» در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیشنهاد می‌گردد که:
- کلیه امور مالی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شفاف باشد؛
 - تصمیم‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی کاملاً شفاف و بدون ابهام اتخاذ شوند.
 - کلیه روابط بیرونی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر اساس قواعد شفافیت تنظیم می‌شود و اهداف مشخصی را دنبال کنند.
۵. در راستای «توسعه نهادی و سازمانی» در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیشنهاد می‌گردد که:
- سیاست‌گذاری در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای بخش تعاون مطلوب شود؛
 - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فعالیت‌های سازمان تأمین اجتماعی را در راستای اهداف خود قرار دهد؛
 - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به شکل مناسبی از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد استفاده کند.
۶. در راستای «باور سازمانی» در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیشنهاد می‌گردد که:
- کارکنان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نسبت به رعایت اخلاق متعهد باشند؛
 - عدالت در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به شکل مطلوبی رعایت شود؛
 - کارکنان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نسبت به رعایت قواعد دینی در سازمان متعهد باشند.
۷. در راستای «کارایی» در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیشنهاد می‌گردد که:
- تشکیلات اداری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، کارا و با حداقل اتلاف منابع باشد؛
 - منابع انسانی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انگیزه و عملکرد مطلوبی داشته باشند؛
 - فرایندهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در راستای اهداف مشخص بوده و با حداقل منابع انجام شود.
- همچنین برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌گردد:
- پژوهش‌های آتی به بررسی نقش مشارکت اجتماعی در جامعه و تأثیر آن بر رفاه بپردازند؛
 - پژوهش‌های آتی به بررسی نقش اعتبار و وجهه دولت در جامعه و تأثیر آن بر رفاه بپردازند؛
 - پژوهش‌های آتی به بررسی نقش نیروی انسانی موجود در جامعه برای دنبال کردن اهداف توسعه‌ای کشور و تأثیر آن بر رفاه بپردازند؛

- پژوهش‌های آتی به بررسی نقش رعایت قواعد اخلاقی در امور مختلف و تأثیر آن بر رفاه بپردازند؛
- پژوهش‌های آتی به بررسی نقش جایگاه مطلوب کشور در محیط بین‌المللی و تأثیر آن بر رفاه بپردازند؛
- پژوهش‌های آتی به بررسی نقش مسیر توسعه همه‌جانبه کشور و با در نظر گرفتن حقوق نسل‌های آینده و تأثیر آن بر رفاه بپردازند.

منابع

- اسکندری، هانیه؛ داداش کریمی، یحیی و حجتی، عبدالله (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی: یک پژوهش کیفی. *انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ۱۴(۲)، ۲۹۹-۳۰۸.
- امجدی، حوریه؛ مطلبی، مسعود و گنجی، قربانعلی (۱۳۹۹). تحلیل مقایسه‌ای سیاست‌های اجتماعی - رفاهی در دولت‌های احمدی نژاد و روحانی. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۲ (۴۷)، ۱۷۷-۱۹۱.
- حری، حمید؛ جلالی، عبدالمجید و لشکری، مریم (۱۳۹۹). بررسی تأثیر چرخه‌های تجاری بر شاخص رفاه اقتصادی در ایران. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۵(۸۲)، ۱۴۹-۱۷۲.
- خستو، مریم؛ یاحقی، مرضیه (۱۳۹۷). تحلیل و ارزیابی شاخص‌های رفاه اجتماعی در نواحی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت (مطالعه‌ی موردی: نواحی منطقه ۱ شهر قزوین). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۰(۲)، ۲۹۷-۳۱۵.
- دانایی فرد، حسن و باباشاهی، جبار (۱۴۰۰). چگونه سرمایه‌های انسانی بخش دولتی بر رفاه ملی تأثیر می‌گذارد؟ *مجله ایرانی مطالعات مدیریت*، ۱۴ (۳)، ۴۸۶-۴۹۶.
- رشیدی، سیاوش؛ جزنی، نسرين و مبینی، محمد (۱۴۰۰). طراحی مدل بهینه اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی ایران با تأکید بر نوع سازمان و نوع ارباب رجوع. *فصلنامه امنیت ملی*، ۱۱(۴۱)، ۳۷۱-۴۱۰.
- رفیعی، حسن؛ محقق، حسین؛ سجادی، حمیرا؛ عباسیان، عزت‌الله و رهگذر، مهدی (۱۳۹۴). نظر متخصصان ایرانی در مورد ابعاد و بیانگرهای شاخص رفاه اجتماعی ایران: یک مطالعه دلفی. *مجله رفاه اجتماعی*، ۱۵(۵۸)، ۱۲۱-۱۳۶.
- زاهدی، محمدجواد و نوایی لواسانی، محمود (۱۳۹۵). ارزیابی برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران از منظر بازتابی و کاربست نظریه‌های رفاه و عدالت اجتماعی (با تأکید بر برنامه پنجم توسعه). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. ۹۵ (۱)، ۴۳-۷۸.
- سلیمی‌فر، مصطفی؛ داوودی، آزاده و عربی، ادیب (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ترکیب بودجه‌ای دولت بر شاخص‌های رفاه در ایران. *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، ۳ (۱۲)، ۱۵۳-۱۸۰.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و ارغند، هانیه (۱۳۹۷). تأثیر پیچیدگی اقتصادی (ECI) بر رفاه اجتماعی در کشورهای منتخب در حال توسعه. *پژوهشنامه بازرگانی*، ۲۳ (۸۹)، ۸۹-۱۲۲.
- شریف‌زاده، فتاح و قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۴ (۵)، ۹۳-۱۱۰.
- طاهری، سعید و حسین‌زاده، مریم (۱۳۹۸). تحلیل وضعیت رفاه در ایران بر اساس شاخص‌های استاندارد جهانی. *مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران*، ۳۰ (۱)، ۲۳۷-۲۸۱.

- کریم‌پور، عیسی، عابدینی، صمد و عزیزخانی، اقباله (۱۴۰۰). مطالعه نقش کیفیت حکمرانی خوب در رفاه عمومی (مورد مطالعه: کشورهای سازمان همکاری‌های آسیا و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه. مطالعه جامعه‌شناسی، ۱۳ (۵۱)، ۲۷-۴۷.
- کمپجانی اکبر و سلاطین، پروانه (۱۳۸۹). تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۲ (۲)، ۱-۲۴.
- مهدوی، روح‌الله (۱۳۹۵). اثرات توزیع مجدد درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بر تقاضا و رفاه خانوارها با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۶ (۲۲)، ۲۱-۳۶.
- موسوی، میرهاشم؛ زاهدی وفا، محمد (۱۳۹۶). ارائه و تبیین ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی رفاه عمومی، بر اساس تحلیل محتوی آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره). فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸ (۳۲)، ۲۰۵-۲۳۵.
- نادمی، یونس و مفتخری، علی (۱۳۹۶). حد بهینه فعالیت‌های دولت و رفاه اجتماعی در ایران طی سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۹۱: رویکرد سری زمانی غیرخطی. نشریه رفاه اجتماعی، ۶ (۶۷)، ۹-۳۵.

References

- Amjadi, H., Melabi, M. & Ganji, G. A. (2019). Comparative analysis of social-welfare policies in Ahmadinejad and Rouhani governments. *Iranian Social Development Studies, twelfth period*, 12(47), 177-191. (in Persian)
- Atalla, T.N., Gasim, A.A. & Hunt, L.C. (2018). Gasoline demand, pricing policy, and social welfare in Saudi Arabia: A quantitative analysis. *Energy Policy*, 114, 123-133.
- Bairoch, P. (1993). *Economic and world history*. Chicago: University of Chicago.
- Benish, A. & Mattei, P. (2020). Accountability and hybridity in welfare governance. *Public Administration*, 98, 281-290.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Cárcaba, A., Arrondo, R. & González, E. (2022). Does good local governance improve subjective well-being? *European Research on Management and Business Economics*, 28(2).
- Chin, W. W. (1998). The partial least squares approach to structural equation modeling. *Modern Methods for Business Research*, 295(2), 295-336.
- Danai Fard, H. & Babashahi, J. (2021). How does public sector human capital affect national welfare? *Iranian Journal of Management Studies*, 14(3), 486-496. (in Persian)
- Duncan, G. (2010). Should happiness-maximization be the goal of government? *Journal of Happiness Studies*, 11, 163-178.
- Eskandari, H., Dadash Karimi, Y. & Hojjati, A. (2021). Identifying factors affecting public welfare governance with the approach of social justice development: a qualitative research. *Society for Sociology of Education*, 14(2), 299-308. (in Persian)

- Fleurbaey, M. (2015). On sustainability and social welfare. *Journal of Environmental Economics and Management*, 71, 34-53.
- Fosu, A. K. (2017). Growth, inequality and poverty reduction in developing countries: Recent global evidence. *Research in Economics*, 71, 306-336.
- Gomez, A. F. O. & Viafara, G. M. C. (2022). Economic growth without welfare. The case of the impact of commodities on the Colombian economy. *Brazilian Journal of Political Economy*, 42(1), 1-22.
- Grundler, K. & Köllner, S. (2020). Culture, diversity, and the welfare state. *Journal of Comparative Economics*, 48(4), 913-932.
- Hensler, J., Ringle, C., & Sinkovics, R. (2009). The use of partial least square based multi group analysis. *Advance in International Marketing*, 12(4), 45-64.
- Horri, H., Jalai, A.M. & Lashkari, M. (2019). Investigating the impact of business cycles on the economic welfare index in Iran. *Iran Economic Research*, 25 (82), 149-172. (in Persian)
- Hunt, P. (2012). Health and wellbeing: The role of government. *Public Health*, 126, 519-523.
- Kamijani A., Salatin P. (2010). Effects of Good Governance on Economic Growth in the Selected Countries of OPEC and OECD. *Economical Modeling*, 2(6), 1-24. (in Persian)
- Karimpour, I., Abedini, S. & Azizkhani, I. (2021). Studying the role of good governance quality in public welfare (case study: countries of the Al-Sami Cooperation Organization and the Organization for Economic Cooperation and Development. *Sociological Study*, 13(51), 27-47. (in Persian)
- Khastu, M. & Yahaghi, M. (2017). Analysis and evaluation of social welfare indicators in urban areas with emphasis on justice approach (case study: areas of the 1st region of Qazvin city). *Researches of human geography*, 50(2), 297- 315. (in Persian)
- Kozlovskiy, S., Petrunenko, I., Baidala, V., Myronchuk, V. & Kulinich, T. (2021). Assessment of public welfare in Ukraine in the context of the COVID-19 pandemic and economy digitalization. *Problems and Perspectives in Management*, 19(1), 416-431.
- Legatum, I. (2020). *The legatum prosperity index 2021 creating the pathways from poverty to prosperity*. New-Zealand: United Kingdom. Available at <https://www.prosperity.com/rankings> (2021/4/11).
- Mahdavi, R. (2015). The effects of income redistribution resulting from energy carrier price reform on household demand and welfare using the calculable general equilibrium model. *Scientific-Research Quarterly of Economic Growth and Development Research*, 6(22), 21-36. (in Persian)
- Mc-Crea, R., Walton, A., & Leonard, R. (2015). Developing a model of community wellbeing and resilience in response to change. *Social Indicators Research*, 129, 195–214.
- Merriam, S. B. (2009). *Qualitative research: A guide to design and implementation*. New-Zealand: John Wiley & Sons.
- Mousavi, M., Zahedi Wafa, M. (2016). Presenting and explaining the directional elements of the strategic model of public welfare, based on the content analysis of Imam Khomeini's

- opinions and thoughts. *Welfare and Social Development Planning Quarterly*, 8(32), 205-235. (in Persian)
- Nadami, Y. & Muftakhari, A. (2016). The optimal level of government activities and social welfare in Iran during the years 1991-1999: a nonlinear time series approach. *Journal of Social Welfare*, 67, 9-35. (in Persian)
- Omri, A. (2020). Foreign investment and air pollution: Do good governance and technological innovation matter? *Environmental Research*, 185. Available in: <https://doi.org/10.1016/j.envres.2020.109469>
- Rafiei, H., Mohagheqi, H., Sajjadi, H., Abbasian, E. & Rahgozar, M. (2014). The opinion of Iranian experts on the dimensions and indicators of Iran's social welfare index: a Delphi study. *Journal of Social Welfare*, 15(58), 121-136. (in Persian)
- Rashidi, S., Jazni, N. & Mobini, M. (2021). Designing the optimal model of public trust in Iran's government organizations with emphasis on the type of organization and the type of client. *National Security Quarterly*, 11(41), 371-410. (in Persian)
- Salimifar, M., Davoudi, A. & Arabi, A. (2014). Investigating the impact of the government's budget composition on welfare indicators in Iran. *Economic Strategy Quarterly*, 3(12), 153-180. (in Persian)
- Shahabadi, A. & Arghand, H. (2017). The effect of economic complexity (ECI) on social welfare in selected developing countries. *Iranian Journal of Trade Studies*, 89, 89-122. (in Persian)
- Sharifzadeh, F., Qolipour, R. (2003). Good governance and the role of the government. *Managing Organizational Culture*, 4(5), 93-110. (in Persian)
- Stone, M., & Geisser, F. (1975). Cross validatory choice and assessment of statistical predictions. *Journal of the Royal Statistical Society*, 36(2), 111-147.
- Taheri, S., Hosseinzadeh, M. (2018). Analysis of the state of well-being in Iran based on world standard indicators. *Journal of Iranian Official Statistics*, 30(1), 281-237. (in Persian)
- Voukelatou, V., Gabrielli, L., Miliou, I., Cresci, S., Sharma, R., Tesconi, M. & Pappalardo, L. (2021). Measuring objective and subjective well-being: dimensions and data sources. *International Journal of Data Science and Analytics*, 11, 279-309.
- Wang, J., Wang, C., Li, S. & Luo, Z. (2021). Measurement of relative welfare poverty and its impact on happiness in China: Evidence from CGSS. *China Economic Review*, 69, 1016-1046.
- Wang, X. & Wang, L.F.S. (2021). Vertical product differentiation, managerial delegation and social welfare in a vertically-related market. *Mathematical Social Sciences*, 113, 149-159.
- Werts, C. E., Linn, R. L., & Joreskog, K. G. (1974). Intraclass reliability estimates: Testing structural assumptions. *Educational and Psychological Measurement*, 34(1), 25-33.
- Zahedi, M.J. & Navaei Lavasani, M. (2015). Evaluation of the development programs of the Islamic Republic of Iran from the point of view of the representation and application of welfare and social justice theories (with emphasis on the fifth development program). *Social studies and researches in Iran*. 95(1), 43-78. (in Persian)